

تبیین مفهوم سبک‌شناسی معماری با معرفی رویکرد جدید در سبک‌شناسی معماری ایران (با انگیزه حفاظت معماری)

هادی ندیمی^۱، رضا ابوتی^۲، زینب مرادی^{۳*}

۱- استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی^۱

۲- دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه یزد

۳- مربی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه حکیم سبزواری و دانشجوی دکتری مرمت و احیای بناهای

تاریخی دانشگاه هنر اصفهان

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۰۱، تاریخ پذیرش نهائی: ۱۳۹۸/۱۲/۱۱)

چکیده

موضوع سبک‌شناسی معماری در ایران همواره جزء بحث‌های چالش‌برانگیز در مجامع علمی بوده است. با آنکه در حوزه هنر و معماری جهان سبک‌شناسی موضوع مهمی است اما به دلیل گستردگی و تنوع در تعاریف و کارکردهای آن اتفاق نظری مشخص بین پژوهشگران برسر آن وجود ندارد. در ایران، هرچند حدود نیم قرن است که این مفهوم وارد مباحث علمی حوزه معماری گشته اما هنوز تعاریف و کارکرد آن تدوین نشده است. پیشینه تحقیق سبک‌شناسی نمایانگر این موضوع است که سبک‌شناسی به عنوان رویکردی در مطالعه تاریخ معماری کارکردهای مختلفی دارد یکی از مهمترین کارکردهای آن به عنوان روشی برای طبقه‌بندی در تاریخ معماری است که به دلیل اعتباری بودن تعاریف‌اش، چندوجهی بودن و جامعیت‌اش از لحاظ قابلیت پوشش دادن چندین روش برخورد با جوانب مختلف معماری در تعریف عملیاتی خود و سرانجام انعطاف‌اش در عملیاتی شدن با توجه به هدف از سبک‌شناسی، آن را به عنوان روشی مناسب معرفی می‌کند. این مقاله با این باور سعی نموده مفهوم سبک‌شناسی معماری را تبیین نماید و به پشتوانه مبانی مطالعاتی سبک‌شناسی، رویکرد جدیدی را با دغدغه حفاظت و مرمت معماری پیشنهاد دهد. بدین منظور، ابتدا به شناسایی انواع و ویژگی‌های روش‌های تحقیق در حوزه معماری پرداخته شده است و برای انتخاب روش و رویکرد مناسب، پس از شناسایی نوع مساله تحقیق، به تبارشناسی آن پرداخته و آنگاه با توجه به اهداف و جنس مساله، روش و رویکردی را برگزیده است. روش تحقیق این مقاله از نوع تحلیل محتوا بوده تعاریف نظری و عملیاتی سبک‌شناسی بررسی شده است. جایگاه سبک‌شناسی معماری ایران در انتها با تحلیل پروژه محمدکریم پیرنیا تبیین گردیده و با بیان جایگاه سبک در حوزه حفاظت و مرمت معماری، دیدگاه‌های موجود به چالش کشیده شد تا به جزئیات تعریف پیشنهادی منجر گردد. سامانه جستجوی مقاله کیفی است و به همراه تفسیر و تحلیل معنایی داده‌ها، به دنبال رسیدن به تعریف رویکردی مناسب و کاربردی برای سبک‌شناسی معماری ایرانی است. راهبرد این مسیر تفسیر‌گرا است. این پژوهش را می‌توان از نوع نظری و کاربردی دانست.

کلید واژه‌ها: تاریخ معماری، سبک‌شناسی، سبک‌شناسی معماری، محمدکریم پیرنیا، حفاظت و مرمت معماری

۱ - نویسنده مسئول: Email: z.moradi@hsu.ac.ir

این مقاله برگرفته از رساله دکتری زینب مرادی با عنوان «انشای معیارهای سبک‌شناسی معماری مساجد ایران (راستی آزمایی بر روی مساجد خراسان منسوب به قرون ۷ و ۸ ه.ق)» به راهنمایی دکتر رضا ابوتی و دکتر هادی ندیمی در دانشگاه هنر اصفهان در حال انجام است.

پرسش‌های پژوهش

- ۱- رویکرد سبک‌شناسی برای مطالعه تاریخ معماری چه جایگاهی دارد؟
- ۲- سبک‌شناسی معماری ایران در حال حاضر چه وضعیتی دارد؟
- ۳- با هدف حفاظت معماری، رویکرد سبک‌شناسی چگونه می‌تواند باشد؟

۱- مقدمه

سعی در شناخت موضوع لازمه ورود و ماندن در ساحت آن موضوع است. شناخت معماری با هر هدف و گرایشی که در این ساحت وجود دارد مهمترین و اصلی‌ترین موضوع در آن است. در مباحث علوم انسانی بحث شناخت بسیار پراهمیت و پیچیده است. هنر یکی از اصلی‌ترین این مباحث، شناخت آن همواره با چالش بین متخصصان همراه بوده است. جنسن اعتقاد دارد که هنر را نمی‌توان تعریف کرد، «تعریف هنر به همان اندازه دشوار است که تعریف وجود آدمی» (جنسن، ۱۳۷۹: ۲).

متخصصان، علوم انسانی را به دو گروه تقسیم می‌کنند؛ یک دسته مانند تاریخ که موضوع آن‌ها، انسان موجود است و دسته دیگر مانند حقوق که موضوع، انسان مطلوب است (رشید یاسمی، ۱۳۱۶: ۱۴۴). به نظر می‌رسد هنر را نمی‌توان فقط به یکی از این گروه‌ها اختصاص داد که هنر هم از انسان موجود می‌گوید و هم از انسان مطلوب.

سبک‌شناسی هنر و معماری را، به واسطه جامعیتی که در سبک‌شناسی وجود دارد و منجر به شناخت همه جانبه از لایه‌های مختلف موضوع می‌گردد، می‌توان یک روش جامع برای شناخت محسوب

کرد. در میان روش‌ها و دیدگاه‌های مختلف پژوهش معماری، مخصوصاً تاریخ معماری، سبک‌شناسی مورد توجه متخصصان بوده است. با نگاه اجمالی به تاریخ معماری جهان شاهد بررسی آن در سبک‌های گوناگون تا به امروز هستیم.

مسئله این مقاله تاکید بر انتخاب درست و به‌جای رویکرد در مطالعه معماری است. در هر مطالعه معماری با هر انگیزه و هدفی که محقق برای خود تعریف نموده است، در ابتدا باید بتواند درک صحیحی از روش‌ها و رویکردهای تحقیق در این حوزه داشته باشد. ابزارها را بشناسد و تعاریف درستی از واژگانی که به نام رویکرد قرار است انتخاب کند، داشته باشد و بتواند با امکاناتی که آن رویکرد در اختیارش می‌گذارد تعاریف عملیاتی خود را مدون نموده تا چهارچوب و مبانی مطالعه مشخص گردد. این مقاله سعی دارد برای پرداختن به این ضرورت در این وادی تلاش کند و سبک‌شناسی را به عنوان یکی از ابزارها معرفی و تبیین نماید. برای رسیدن به این هدف در ابتدا انواع و ویژگی‌های روش‌های تحقیق در حوزه معماری معرفی می‌گردد. سپس رویکرد انتخابی، یعنی سبک، تبارشناسی می‌شود تا مشخص گردد که چه خویشاوندی‌ها و تعاریفی در حوزه‌های مختلف دارد. برای این منظور، از آنجایی که معماری موضوع اصلی این مقاله است در ادامه به این حوزه به طور مجزا پرداخته می‌شود. جایگاه سبک‌شناسی معماری ایران در انتها با تحلیل پروژه محمدکریم پیرنیا تبیین می‌گردد تا با بیان جایگاه سبک در حوزه حفاظت و مرمت معماری، دیدگاه‌های موجود به

در مطالعه معماری را بیابد. در حوزه معماری ایران «از نظر روش‌شناسی، مطالعات جدی انجام نشده است. محققانی که با هدف معرفی ایران قلم به دست گرفته‌اند و دانش پژوهان معماری که با نیت آشنایی با معماری گذشته این سرزمین در جست‌جوی منابع بوده‌اند، هر یک به نوعی با مشکلی در رسیدن به هدف برخورد کرده‌اند که همان مسئله نارسایی‌های موجود در مطالعات تاریخ معماری ایران بوده است» (گلیجانی مقدم، ۱۳۸۶: ۱۵).

در این بخش سعی شده به مدد مطالعات پژوهشگرانی که به مبانی و روش‌ها پرداخته‌اند و همچنین بررسی پژوهش‌های موجود در باب معماری روش‌های پژوهشی موجود معرفی گردد (جدول ۱). اگر از اشاره به اطلاعات معماری که در کتیبه‌ها، سفرنامه‌ها، دانش‌نامه‌ها، اسناد تاریخی، تاریخ‌نامه‌های عمومی و دیگر متون پراکنده در باب معماری ایران آمده است صرف‌نظر می‌شود نه به دلیل اهمیت اندک آنها بلکه به این دلیل است که روش‌شناسی این نوع منابع را نمی‌توان به روش‌های پژوهشی در حوزه‌ی معماری مرتبط دانست. با وجود اشارات فراوانی که از معماری در این متون کهن دیده می‌شود اما تنها در دوره‌ی معاصر است که در ایران، تاریخ‌نگاری معماری به صورت تخصصی دیده می‌شود.^۱

رویکردهای گوناگون از این جهت به وجود آمده‌اند که اهداف، انتظار و نتایج گوناگون از مطالعه معماری در حوزه‌های مختلف وجود دارد. با توجه به هدف، رویکرد و روش انتخاب یا تعریف می‌شود.

چالش کشیده شود و جزئیات تعریف پیشنهادی ارائه گردد.

سامانه جستجوی مقاله کیفی است و به همراه تفسیر و تحلیل معنایی داده‌ها، بدنبال رسیدن به تعریف رویکردی مناسب و کاربردی برای سبک‌شناسی معماری ایرانی است. این پژوهش را می‌توان از نوع نظری و کاربردی دانست. رسیدن به تعریف کاربردی برای سبک، مقاله را از وارد شدن در وادی مبانی نظری صرف بازداشته و بیشتر بر نگاه عملیاتی تاکید دارد. از آنجایی که چهارچوب مقاله براساس شرح، بررسی و نقد وضع موجود بنا شده است و ادبیات موضوع در تمام بدنه آن موردنظر قرار گرفته، از ذکر آن تحت سرتیتر پیشینه تحقیق در مقاله، صرف‌نظر شده است.

۲- روش‌های پژوهش در معماری

«در گذشته تفاوت رشته‌های علمی را از راه تفاوت موضوع آنها می‌شناختند، اما امروزه بیشتر، تفاوت روشها را ملاک و میزان تفاوت رشته‌ها می‌دانند و معتقدند که هیچ علمی بدون روش نیست و ارزش یافته‌های پژوهشی وابسته به میزان درستی روشی است که از طریق آن بدست آمده است» (رضی، ۱۳۸۶: ۱۳۰).

از آنجایی که «مسئله محور بودن تحقیق، از مهمترین شرایط اثربخشی آن است» (قراملکی، ۱۳۸۵: ۱۲۵) با توجه به اهداف و جنس مساله، روش مطالعه توسط محقق انتخاب می‌گردد. با توجه به تنوع اهداف می‌توان گفت با تنوع روش‌ها در هر حیطه علمی مواجه‌ایم. همانگونه که این مقاله نیز سعی نموده با هدف حفاظت معماری شایسته‌ترین روش

در این جستجو عامدانه شناخت معماری از شناخت تاریخ معماری تفکیک نگاشته است باور بر این است که در مطالعه معماری تاریخ مستتر است و شناخت تاریخ آن چیزی جز شناخت خود آن نیست. تفاوت

تاریخ معماری با تاریخ دیگر علوم یا دیگر هنرها در این است که در تاریخ معماری گذشته در اثر معماری حضور دارد.

جدول ۱- روش‌های پژوهش در معماری، انواع روش‌ها و رویکردها در مطالعه تاریخ معماری (ماخذ: نگارندگان).

ملاک تقسیم‌بندی	روش	تعریف	
ماهیت داده‌ها	کمی ^۲	تبدیل اطلاعات تحقیق به صورت نمادهای ریاضی برای تحلیل‌های آماری	
	کیفی ^۳	از روش‌شناسی تفسیری پیروی می‌کند برای توصیف و فهم پدیده‌ها و نهایتاً رسیدن به الگوها	
نحوه برخورد با داده‌ها ^۴	استقرایی	از مطالعه و بررسی جزئیات با اتکا به تجربه و آزمایش و درک واقعیت‌ها، احکام کلی حاصل می‌گردد.	
	قیاسی	از احکام کلی و اطلاعات پیشین قوانین جزئی نتیجه می‌شود.	
راهبردهای تحقیق در معماری (گروت، وانگ، ۱۳۸۶)	راهبرد تحقیق تفسیری-تاریخی	هدف جست‌وجو و دستیابی به اسناد گذشته است. این روش مستلزم داشتن نظری معرفت‌شناختی برای تفسیر شرایط گذشته است.	
	راهبرد تحقیق کیفی	بر شرایط اجتماعی و فرهنگی معاصر اتکا دارد و برای فهم معانی و فرآیند دست‌ساخته‌ها و فعالیت‌های انسان مناسب است.	
	راهبرد تحقیق همبستگی	برای کشف ارتباط میان دو یا چند متغیر مناسب است.	
	راهبرد تحقیق تجربی و شبه تجربی	پیوندهای علی میان دو یا چند متغیر را مورد بررسی قرار می‌دهد.	
	راهبرد تحقیق شبه‌سازی و مدلسازی	دانش «یک واقعیت» را می‌توان با بازسازی آن در محیطی جایگزین کسب کرد.	
	راهبرد استدلال منطقی	مهمترین ویژگی تعریف سامانه، عناصر تشکیل دهنده آن و چگونگی ارتباط آن با سایر سامانه‌هایی است که در مجموع می‌توانند آرایه‌ای منطقی به جهان هستی بدهند.	
	راهبرد پژوهش موردی و راهبردهای ترکیبی	مطالعه موردی یک مکان یا موقعیت یا بهره‌گرفتن همزمان از چند روش تحقیق	
	نگرش‌ها در شناخت معماری (معماربان، ۱۳۸۴)	نگرش اقلیمی	کاربردی دیدن اجزاء و عناصر معماری، هر جزئی به یک دلیل خاص اقلیمی
		نگرش شکلی	برخی محققین معماری، شکل را مساوی همه معماری قرار داده‌اند.
		نگرش تاریخی- تکاملی	مورخ معماری براساس مستندات، یک واقعیت تاریخی را معرفی می‌کند.
نگرش فضاگرا		برخی معماران، معماری را معادل فهم فضا می‌دانند.	
نگرش فرهنگی- اجتماعی		این گروه فرهنگ را عامل اصلی تاثیرگذار بر شکل بنا می‌دانند.	
دیدگاه‌های شناخت معماری	نگرش معناگرا	در این نگاه معماری تجلی دهنده برخی از اصول سنت است. کشف پیام‌های سنت از اثر یکی از کارهای این گروه است.	
	تاریخی	شرح کمی و کالبدی از معماری گذشته	
	معمارانه	دریافت ارزش‌های فضایی معماری در دوره‌های مختلف معماری	

قبل از هر چیز، مظاهر زیبایی معماری مورد مطالعه قرار می‌گیرد.	هنرشناسانه	(گلیجانی مقدم، ۱۳۸۶)
معماری به عنوان یک فراورده فرهنگی در باستان‌شناسی	باستان‌شناسی	
استفاده از تعابیر تشبیهی برای معرفی معماری	تشبیهی	بر اساس رویکردهای پژوهش برای طبقه‌بندی
طبقه‌بندی بر اساس بازه‌های زمانی با توجه به زمان ساخت اثر	دوره‌بندی ^۵	
اطلاعات اندک بصورت توصیف و گزارش از بناها (مونومان‌ها) جدا از مطالعه زمینه‌ها	روش فرهنگ‌نامه‌ای	
تفسیر بناها بر اساس دیدگاه‌های از پیش مشخص	روش تفسیری	
بر حسب معیارهای شکلی یا عملکردی فضاها و یا کاربری بناها طبقه‌بندی صورت می‌پذیرد.	روش گونه‌شناسی ^۶	
بر آن است تمام جوانب یک اثر انتخاب شده را معرفی نماید.	روش تک‌نگاری	
طبقه‌بندی بر اساس حوزه‌های جغرافیایی است. بیشتر رویکرد اقلیمی به معماری دارد.	بر اساس حوزه جغرافیایی و اقلیمی	
هر طبقه بر اساس روی کار آمدن و انقراض سلسله‌های سیاسی و حکومتی تعریف می‌شود.	بر اساس سلسله‌های حکومتی	
بر اساس جریان‌های فکری، بینش مذهبی یا فلسفی	مکتب ^۷ ، گرایش، جنبش	
بر شمردن یکسری ویژگیهای مشترک، خصوصیات مشترک در قالب چند مفهوم است: مفاهیم مصالح، مفاهیم سازه، مفاهیم کالبدی که در جایی رواج پیدا کرده است.	شیوه‌شناسی ^۸	
تحلیل‌های کالبدی و محتوایی بنا	سبک‌شناسی ^۹	
بانی، حامی، سازنده، هنرمند	بر اساس شخص	
معماری را بیش از هر چیز به پدیدآورندگان آن پیوند می‌زند و بر اساس آنان آثار را طبقه‌بندی می‌کند.	نام سرزمین که دلالت بر ویژگی‌های قومی دارد.	
بر حسب معیارهای شکلی. البته برخی این رویکرد را زیرمجموعه گونه‌شناسی می‌دانند.	ریخت‌شناسی ^{۱۰}	
الگوها را بر اساس ویژگی‌های فرمی و فضایی ^{۱۲} یا کیفیات فضایی و نیازهای انسانی ^{۱۳} . الگو در آن واحد هم شئی است که در عالم حادث می‌شود، و قائده‌ای است که به ما می‌گوید چگونه آن شی را به وجود آوریم (الکساندر، ۱۳۸۱: ۲۴۶).	استخراج و دسته‌بندی الگو ^{۱۱} ها	

فرآیند کلی باهم همکاری داشته باشند و این بررسی لایه‌لایه از الگویی روش‌مند پیروی کند تا دچار هرج و مرج روشی و نتایج متناقض نگردد. «سبک‌شناسی» زبانی است که می‌کوشد آنچه را از کشوری به کشور دیگر در معماری به ظهور می‌رساند آشکار سازد» (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۱: ۲۴۶). «سبک‌شناسی معماری یک پدیده خلق‌الساعه و فی‌البداهه نیست.

در شناخت معماری اهداف، نگرش‌ها و راهبردهای گوناگون وجود دارد. اگر هدف، کلیتی تحت عنوان فهم معماری باشد، در این فرآیند با سطوح مختلفی مواجه هستیم که درک هر کدام از آنها می‌تواند با استفاده از رویکرد و روش مستقل و جداگانه بررسی شود؛ اما این پژوهش، آن هنگام به هدف نزدیک می‌گردد که همه این سطوح در یک

در قالب کمی عرضه کند و حتی برای امکان راستی‌آزمایی آن تعریف به کمک روشی کمی داده‌ها را تحلیل نماید.

اغلب مسائل و موضوعات پژوهشی در عرصه معماری چندوجهی و آمیزه‌ای از دانش‌های گوناگون و از نوع چندتباری است و برای فهم همه جانبه آنها باید با استفاده از نظام تحقیقاتی میان‌رشته‌ای و چندرشته‌ای در چهارچوب پژوهش‌های تعریف‌شده وارد عمل شد. «تحقیق معماری از این نظر بین‌رشته‌ای است که، راهبردها و تدابیر را از رشته‌های دیگر گرفته و آنها را در تبیین دانش کاربرد محیط انسان‌ساخت برای رشد زندگی انسان بکار می‌گیرد» (گروت، وانگ، ۱۳۸۶: بیست و سه).

۳- تبارشناسی^{۱۴} سبک

برای شناخت هر موضوعی اولین قدم تبارشناسی آن است. «تبارشناسی یک موضوع نشان دهنده برخوردی تاریخی با ماهیت آن موضوع است» (نیچه، ۱۳۷۷: ۸-۷). فوکو در تعریف تبارشناسی معتقد است که «تبارشناسی شکلی از تاریخ است که می‌تواند سازمان دانش، گفتمان‌ها، قلمروهای موضوعات و غیره را شرح دهد» (شیرازی، آقااحمدی، ۱۳۸۸: ۱۱۱-۱۱۲). تبارشناسی یک موضوع یعنی اینکه به کدام علوم تعلق دارد. تبارشناسی مشخص می‌کند که یک واژه و مفهوم چه خویشاوندی‌ها و تعاریفی در حوزه‌های مختلف دارد.^{۱۵}

سبک‌شناسی در شاخه‌های مختلف از علم کاربرد دارد؛ زبان‌شناسی و ادبیات، علوم سیاسی، اجتماعی،

سبک معماری بازتاب و تبلور تحولات در بطن جامعه است. سبک یک جریان فکری و هنری است که براساس خصوصیات و مقتضیات یک جامعه در هر دوره شکل می‌گیرد. سبک، انعکاس تفکرات و تحولات اجتماعی در کالبد معماری است. سبک معماری، یک شیوه خاص تفکر نسبت به طرح معماری است. در نتیجه، نحوه نگرش به عوامل مختلف در طراحی (مانند سایت، اقلیم، تاریخ، فن‌آوری، مذهب، سنت، آینده و بستر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) در سبک‌های گوناگون با یکدیگر تفاوت دارد» (قبادیان، ۱۳۹۲: ۴۰۰).

«در ایران، مطالعه و بررسی آثار تاریخی معماری ایران از حدود یک قرن پیش با ورود افرادی که بیشتر با هدف باستان‌شناسی و گاهی پژوهش و تحقیق به ایران آمدند، آغاز شد» (گلیجانی مقدم، ۱۳۸۶: ۱۳). وجود ده‌ها کتاب و مقاله در معرفی معماری ایران از این مستشرقان دستاورد این حضور است. اما به نظر می‌رسد «به دلیل عدم آشنایی کافی با فرهنگ، زبان و ادبیات ایران نتوانستند روح حاکم بر معماری این سرزمین را دریابند» (گلیجانی مقدم، ۱۳۸۶: ۱۴).

برای سبک‌شناسی معماری، با توجه به تعریفی که این مقاله به دنبال آن است، تأکید بیشتر بر روی روش کیفی است که از روش تفسیری پیروی می‌کند. اما بعضی تحقیقات طیفی‌اند که یک سوی آن تحقیقات کیفی و سوی دیگر آن تحقیقات کمی قرار دارد تا بتوان با نگاه جامع تمام موارد دخیل بر سبک‌شناسی را رصد و تفسیر نمود. کیفی بودن ماهیت پژوهش مانع از آن نیست که محقق راه‌های کمی کردن نتایج تحقیق را بیاموزد و نتایج خود را

به خوبی نشان داد و روشن کرد» (رحیم‌زاده، ۱۳۸۴: ۵۵).

با اینکه ریشه لغوی واژه سبک و واژه‌های مرتبط در همه حوزه‌ها یکسان است اما با توجه به تفاوت در ماهیت هر حوزه، جایگاه و تعریف عملیاتی آنها باهم متفاوت دیده می‌شود. توجه نمودن به تفاوت ماهوی حوزه‌ها و هدف از سبک‌شناسی در آن ممکن است باعث سردرگمی و اختلاط شود. این خلط معانی در حوزه مورد مطالعه این پژوهش دو آسیب را به همراه دارد؛ علاوه بر اینکه از ارائه تعریف قابل تشخیصی از سبک جلوگیری می‌کند باعث گشته واژه‌های دیگر مترادف و یا جایگزین آن بکار رود.

فلسفه و هنر. چندتباری بودن سبک‌شناسی به این مفهوم است که این مساله ریشه در علوم مختلف دارد به گونه‌ای که بدون توجه به ره‌آورد و ابزارهای آن علوم نمی‌توان به شناخت کامل آنها نایل آمد. واژه سبک چندتباری است، برای فهم جایگاه و موقعیت سبک در هنر و معماری به نظر می‌رسد باید خود واژه سبک و حوزه‌های مختلف آن را دریافت (جدول ۲).

در علوم نظری، که تاریخ هنر و معماری نمونه‌ای از آنهاست، شناخت واژگان و اصطلاح‌های رایج، اهمیت بسیاری دارد. «این اهمیت بدان پایه است که گاه می‌توان همه تحولات‌های پدید آمده در حوزه‌ای از دانش بشری را از راه شرح دلالت‌های یک واژه،

جدول ۲- مفهوم سبک در علوم و حوزه‌های مختلف (مأخذ: نگارندگان).

معنی لغوی سبک	حوزه‌ی کاربردی	تعریف در حوزه (در همه این حوزه‌ها، سبک به عنوان ابزار طبقه‌بندی در تحلیل‌ها بکار می‌رود).
مصدر ثلاثی مجرد عربی است ^{۱۶} به معنی گذاختن و ریختن و قالب‌گیری کردن زر و نقره، و سبیکه به معنی پاره زر و نقره گذاخته و قالب‌گیری شده مشتق از آن است (غلامرضایی، ۱۳۷۷: ۱۱). معادل استیل ^{۱۷} اروپایی و آن مأخوذ از لغت استیلوس ^{۱۸} یونانی به معنی ستون. استیلوس در زبان یونانی به وسیله فلزی یا چوبی و یا عاج اطلاق می‌شده است که به کمک آن در زمان‌های قدیم حروف و کلمات را بر روی الواح مومی نقش می‌کرده‌اند (بهار، ۱۳۵۵: د).	علوم سیاسی، دینی و فلسفه	مترادف با ایسم ^{۱۹} به معنی اصول، عقیده، گرایش و مکتب (آریانپور، ۱۳۹۰). ایدئولوژی و نظام فکری و عقیدتی (شریعی، ۱۳۶۰). مترادف با مکتب به معنی جهان‌بینی (مطهری، ۱۳۸۵). دکترین، گفتمان، مسلک، نهضت، شیوه، طرق، روش
	علوم اجتماعی و روان‌شناسی	شیوه، طریق و روش
	هنر نمایشی (سینما و تئاتر)	مترادف با ژانر بکار می‌برند (کمالی‌نیا، ۱۳۸۷). به معنی نوع، طرز، اسلوب، روش و متد. در مواردی نیز از واژه مکتب استفاده می‌شود (حاجی مشهدی، ۱۳۸۰) در تئاتر تمایل به استفاده از واژه شیوه بیشتر دیده می‌شود (خاکی، ۱۳۸۷). در پاره‌ای موارد واژه تکنیک هم بکار گرفته شده است.
	نقاشی	در نقاشی بیشتر براساس جنبش‌ها، سبک‌ها نام‌گذاری شده‌است (جنسن، ۱۳۷۹). در نقاشی ایرانی (نگارگری) واژه مکتب متداول است و سبک در درجه پایین‌تر از آن به معنی روش و شیوه است،

<p>براساس مراکز حکومتی دوره‌های تاریخی بوده که در آن شهرها، نگارگری شکوفا شده است (پاکباز، ۱۳۸۹) (کن بای، ۱۳۸۲).</p>		
<p>در این حوزه شکل‌های نگارش، شیوه‌ها و سبک‌ها را مشخص می‌کند (شیمل، ۱۳۸۲). علاوه بر آن سبک شخصی نیز کاربرد دارد به عنوان نمونه خوشنویسی سبک میرعماد. واژه سبک و شیوه در حالی بکار رفته است که انگار برای آن شأنی بالاتر از شأن واژه مکتب قائل نیستند (جباری، ۱۳۸۷). البته در متون تاریخی مربوط به تاریخ خط از واژه طریقی نیز استفاده شده است (فضائلی، ۱۳۵۰).</p>	خوشنویسی	
<p>شیوه و سبک نوازندگی با مکتب و از بخش‌های زیرین آن است (پیرنیاکان، ۱۳۸۷). ملاک‌هایی چون حوزه جغرافیایی، جنبش‌های هنری یا فکری، بر اساس سازهای مورد استفاده، بر اساس مخاطب و... سبک‌های موسیقی را تعریف می‌کنند (لطفی، ۱۳۸۹).</p>	موسیقی	
<p>«نخستین کسانی که به سبک توجه کردند کسانی بودند که به بررسی شیوه‌های سخنوری پرداختند و کسی که در این زمینه نام و اثری از او به جا مانده ارسطو^{۲۰} (۳۸۴ - ۳۲۲ ق م) است» (غیاثی، ۱۳۷۳: ۵۰).</p> <p>«نخستین کسی که در دوران رنسانس تعریفی دقیق و علمی از سبک به دست داده، بوفن^{۲۱} (۱۷۸۸-۱۷۰۷ م) طبیعی‌دان فرانسوی است. وی در آغاز خطاب خود آورده است: سبک جز نظم و تحرکی که مردم در اندیشه‌های خود پدید می‌آورند، چیزی نیست» (محبوب، ۱۳۴۵: ۳۷).</p> <p>ملک الشعراء بهار (۱۳۳۰-۱۲۶۳ ه.ش) نخستین کسی است که مفهوم دقیق کلمه از سبک در ادبیات و نثر فارسی بحث کرده و سبک‌شناسی را در ایران پایه‌گذاری کرده است.</p> <p>با مطالعه آثار منظوم و منثور ادب فارسی واژه‌هایی چون فن، طرز، شیوه، روش، طریقی، طریقه، وار، طور، راه، روال، متوال، اسلوب، رسم، نی کلک، قلم، خامه، بیان، سیاق، ادا، قالب و... دیده می‌شود که می‌توان تقریباً با واژه سبک یکسان دانست.</p> <p>«سبک در اصطلاح ادبیات عبارت است از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر» (بهار، ۱۳۵۵: د). «سبک شامل دو موضوع است: فکر یا معنی، صورت یا شکل» (بهار، ۱۳۵۵: ه).</p>	زبان‌شناسی و ادبیات	
<p>از آنجایی که معماری موضوع اصلی این مقاله است در ادامه مقاله به این حوزه‌ها به طور مجزا پرداخته شده است. (بخش ۴)</p>	معماری	

۴- سبک‌شناسی در هنر و معماری

برای ورود به این بخش قبل از هر چیز شایسته است تعاریف نظری سبک از فرهنگ‌نامه‌های تخصصی مرور گردد. همانطور که در بخش تبارشناسی مشاهده گردید حوزه ادبیات سبک خصوصاً در هنر

و معماری بیشتر ادبیات ترجمه‌ای می‌باشد. پس برای جلوگیری از سو تعبیرهای این مفهوم وارداتی، تعاریف به زبان اصلی هم آورده شده است (جدول ۳).

جدول ۳- تعاریف نظری سبک در حوزه هنر و معماری (ماخذ: نگارندگان).

ترجمه	ذیل واژه STYLE	فرهنگ نامه (دیکشنری)
سبک دسته بندی تعدادی بنای مشخص است که در بسیاری از ویژگی‌ها با هم اشتراک دارند. شامل تشابه: در ظاهر کلی، در چیدمان عناصر اصلی طراحی، در تزئینات، در نوع مصالح ساختمانی، در فرم، مقیاس و سازه. چنین سبک‌هایی معمولاً وابسته به یک دوره خاص تاریخی، سرزمین مبدأ، باورهای دینی و یا معماری ادوار گذشته هستند. معمولاً عباراتی که در خود واژه سبک را دارد (مانند مثلاً سبک سانتافه) بیشتر یک مد یا حالت معمارانه است تا یک سبک معمارانه.	Architectural style a classification characterizing buildings that share many common attributes, including similarity in general appearance, in the arrangement of major design elements in ornamentation, in the use of materials, and in form, scale, and structure. Such styles are often related to a particular period of time, geographical region, country of origin, or religious tradition, or to the architecture of an earlier period. often, a term that includes the word style (such as Santa Fe style) is an architectural mode rather than an architectural style.	Dictionary of Architecture & Construction Cyril M. Harris First edition: America 1975
موضوع‌بندی هنر و معماری برطبق باورهای زیباشناسی، دوره، هنرمند، ملیت، ایدئولوژی، مواد و غیره	The categorization of art and architecture according to aesthetic persuasion, era, artist, nationality, ideology, materials etc.	Dictionary of Architecture and Building Construction Nikolas Davies and Erkki Jokiniemi Elsevier Ltd. USA. First edition 2008
۱. ظاهر کلی طرح یک بنا، ساختار، چشم انداز، شیء، نقاشی، و یا طراحی‌های تزئینی، شامل ساخت و ساز، فرم، فضا، مقیاس، مواد، و تزئینات؛ ممکن است یک بیان فردی منحصر به فرد و یا بخشی از یک الگوی فرهنگی گسترده باشد. ۲. دسته‌ای از چیزهای مشابه که متمایز شده توسط ساخت و ساز خاص، فرم، و تزئین؛ همچنین ممکن است تا حدودی با دوره ساخت و یا تولید تعریف شده باشد.	1.The overall appearance of the design of a building, structure, landscape, object, painting, or decorative design, including construction, form, space, scale, materials, and ornamentation; may be a unique individual expression or part of a broad cultural pattern. 2.A category of similar things distinguished by characteristic construction, form, and ornament; may also be defined partly by the period of construction or manufacture.	Dictionary of Building preservation Ward Bucher Published by John Wiley & Sons, Inc New York 1996
یک روش متمایز طراحی.	A distinctive way of designing.	The Dictionary of Urbanism Robert Cowan Published by Streetwise Press (2005)

<p>واژه سبک به روش عبارت پردازی هنری یک هنرمند خاص یا یک دوره ویژه اشاره دارد. به عنوان مثال، سبک رافائل، سبک گوتیک، سبک ایتالیایی.</p>	<p>The word style denotes in artistic phraseology the manner peculiar to an artist or epoch. For instance, the style of Raphael, the Gothic style, the Italian style.</p>	<p>Adeline's Art Dictionary, Art, Architecture, Heraldry, and Archaeology Newyork.1905</p>
<p>اصطلاح قرض گرفته شده از تاریخ هنر و باستان‌شناسی مورد استفاده برای اشاره به گروه از نقوش تزئینی متمایز است.</p>	<p>A term borrowed from art history and used in archaeology to refer to groups of distinctive decorative motifs.</p>	<p>The Concise Oxford Dictionary of Archaeology 2003</p>

آثار استفاده می‌کند. در نظر ارسطو^{۲۹} (-۳۸۴ تا ۳۲۲ ق.م) سبک، محصولی از عوامل متعدد است که در اثری جمع می‌شود بنا بر این دیدگاه، برای هر اثری می‌توان سبک قائل شد. با این رویکرد مورخان هنر از سبک برای نظم بخشیدن به دوره‌های هنری استفاده می‌کنند. این باور کاربرد دوم گامبریچ، یعنی «کاربرد توصیفی» است. که روش‌های گوناگون تولید یا ساخت آثار که «بر اساس روش‌های رایج یا عادات مردمان، گروه‌ها، کشورها، یا دوره‌هایی خاص است»، بررسی می‌گردد (Gombrich, 1968: 129).

ب- از جهت تعداد افراد یا آثاری که به یک سبک منسوب می‌شوند می‌توان به سه شکل سبک‌ها را دسته‌بندی کرد:

۱) سبک فردی یا شخصی^{۳۰} (۲) سبک جمعی یا گروهی (۳) سبک دوره^{۳۱} در تاریخ هنر دو رویکرد فرمالیستی و تاریخ‌های اجتماعی را می‌شود ردیابی نمود (ماینر، ۱۳۹۰: ۴). مطالعه آثار بر اساس رویکرد فرمالیستی منجر به تعریف سبک فردی می‌شود و براساس رویکرد تاریخ‌اجتماعی به سبک دوره.

سبک فردی یا سبک شخصی همچون امضا و یا دست‌خط به تشخیص فرد یا اثر اشاره دارد و در پی نوآوری ظهور می‌کند. سبک وقتی گروهی تلقی

از ویتروویوس^{۳۲} (حدود قرن اول ق.م) تا به امروز با منابع متعدد تاریخ هنر و معماری جهان مواجه هستیم که ساختار غالب آنها براساس طبقه‌بندی آثار است. برای استخراج رویکردهای گوناگون در عملیاتی کردن سبک‌شناسی، کتب و مقالات بیش از چهل تاریخدان و مورخ هنر در جهان بررسی گردید. از وزارت^{۳۳} (۱۵۷۴-۱۵۱۱ م) تا السنر^{۳۴} (۱۹۶۲ م). به دلیل اعتباری بودن^{۳۵} تعریف سبک، طیف وسیعی از رویکردها رصد گردید. برای روشن شدن موضوع نتایج زیر را می‌توان از آن ارائه نمود.

الف- از میان مطالعات تاریخ‌نگاران هنر می‌توان دو باور زیر را مشاهده نمود:

۱) باور اول، قائل به اصالت سبک در اثر هنری است به طوری که سبک در بطن آن قرار دارد و توسط پژوهشگر کشف می‌گردد. این نگاه از دیدگاه افلاطون^{۳۶} (۳۴۸-۴۲۸ ق.م) نشأت گرفته که سبک را کیفیتی می‌داند که تنها در برخی آثار وجود دارد. این باور را می‌توان در یکی از دو گروه کاربرد اصلی سبک در نظر گامبریچ^{۳۷} (۱۹۰۹-۲۰۰۱ م) دانست که از آن به عنوان «کاربرد هنجاری»^{۳۸} نام می‌برد «که ویژگی تمجیدگرایانه دارد» (Gombrich, 1968: 129).

۲) در باور دوم، سبک ابزار، روش یا رویکردی است که پژوهشگر از آن برای مطالعه و طبقه‌بندی

یافتن همه صفات شناخته شده یک سبک بود. این رویکرد را نیز همانند رویکرد تجربه‌گرایانه می‌توان از نوع رویکرد جزء به کل دانست (جدول ۴).

د) در بررسی سیر تحول سبک‌ها:

هر سبک در دوران حیات خود سه مرحله را طی می‌کند. مرحله ظهور یا مقدماتی، مرحله بلوغ یا شکوفایی و مرحله زوال یا انحطاط. پیرنیا از این سه مرحله به صورت مراحل طبیعت‌گرایی و کلاسیک و انحطاط^{۳۲} نام می‌برد.

پژوهش‌گران تاریخ هنر و معماری به مدد تئوری‌های علوم اجتماعی و جامعه‌شناسان قائل به دیدگاه‌های متفاوت برای سیر تحول سبک‌ها می‌باشند با مطالعه مطالعات انجام شده این پژوهشگران می‌توان دو نوع دیدگاه را در مسیر سبک‌شناسی استخراج نمود:

۱) تداوم همراه با تکامل^{۳۳} و پیشرفت در تحول سبک‌ها^{۳۴}.

۲) تداوم بدون تکامل در تحول سبک‌ها. بسیاری از تاریخ‌نگاران هنر معتقداند سیر تحول سبک در ادوار تاریخ را می‌توان به صورت دوایری متصل به هم ترسیم نمود.^{۳۵} در مورد این تداوم نیز در نزد تاریخ‌نگاران یکسان برخورد نشده است:

۱-۲) سیر تحول تداومی خطی: هر سبک در خود سه مرحله را طی می‌کند و بعد از افول، سبک جدید پدید می‌آید. در این نگاه ممکن است حیات سبک‌ها با هم هم‌پوشانی نیز داشته باشند اما سبک جدید از سبک قبلی متولد نمی‌شود و از این جهت از آن مستقل است.^{۳۶}

می‌شود که تاکید بر مقبولیت یک سری قواعد و قراردادهای در گروهی از افراد یا آثار باشد. به عبارت دیگر زمانی که چندین هنرمند از یک سبک پیروی کنند سبک گروهی شکل می‌گیرد. اصطلاح سبک دوره، در مورد سبک‌هایی به کار می‌رود که در بازه زمانی و مکانی معین و نسبتاً طولانی شمار بسیاری از هنرمندان و آثار هنری پیرو آن بوده‌اند.

در یک دوره مشخص ممکن است شاهد چندین سبک گروهی یا جمعی باشیم با این توصیف سبک دوره، سبکی در بازه زمانی یا دوره‌ای مشخص است که یا تنها سبک گروهی در آن دوره است یا قوی‌ترین سبک در بین چندین سبک گروهی. در نتیجه می‌توان گفت در یک دوره مشخص ممکن است سبک دوره نداشته باشیم و شاهد چندین سبک گروهی باشیم.

ج- در عملیاتی کردن سبک سه نوع برخورد زیر قابل شناسایی است:

۱) رویکرد ایدئالیست‌ها که سبک را در ارتباط با فرهنگ و اجتماع و دوره بررسی می‌کنند. یا به عبارت دیگر برای رسیدن به سبک از کل و بستر اثر شروع می‌کنند.

۲) رویکرد تجربه‌گرایانه که سعی می‌کنند سبک‌ها را از طریق مطالعه دقیق جزئیات آثار هنری شناسایی کنند و با بررسی تک تک آثار هنری روابط و صفات مشترک آنها را کشف کنند.

۳) رویکرد تطبیقی که اجزای معماری را با نگاه ریخت‌شناسانه، در دوره‌های مختلف مقایسه می‌کند. در این ریخت‌شناسی آثار الزاماً نباید در پی

جدول ۴- دو رویکرد در عملیاتی کردن تعریف سبک: کل به جزء و جزء به کل (ماخذ: نگارندگان).

<p>سبک ناشی از قراردادهای و قواعد آفرینش هنری خاص یک دوره است. ناشی از ساختار اجتماعی، فرهنگی و قواعد زیباشناختی دوران است. (که در قالب سبک دوره یا سبک گروهی یا سبک فردی تظاهر می‌کند).</p>	<p>از کل به جز اثر هنری با مطالعه بستری که هنر در آن به وجود می‌آید می‌توان سبک را تشخیص و نام‌گذاری نمود.</p>
<p>سبک ناشی از جنبش هاست. جنبش هنری یک جریان یا حرکت هنری است که تحت تاثیر تحولات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و یا عوامل دیگر شکل می‌گیرد و برای مدتی گروهی از هنرمندان را به تفکر و عملکرد مشابه می‌کشاند (هاوزر، ۱۳۸۲). (سبک گروهی)</p>	
<p>سبک نظامی خواهد بود پیش نهاده از راه و روش‌ها و دستورالعمل‌هایی که در دسترس اثر آفرین گذاشته می‌شود تا اثری پدید آورد که می‌تواند نتیجه آن سبک فردی باشد یا سبک گروهی.</p>	
<p>سبک زبانی است که می‌کوشد آنچه را از کشوری به کشور دیگر در معماری به ظهور می‌رساند آشکار سازد (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۱).</p>	
<p>سبک یک راه بصری افشای نگرش نسبت به برخی از عمیق‌ترین جنبه‌های تجربه انسان است (Crowther, 2012).</p>	
<p>معماری تحت تأثیر ایدئولوژی حاکم بر جامعه گاه به این سو و گاه به آن سو می‌رود و در نتیجه سبک معماری نیز همین تغییرات را نشان می‌دهد (گروتز، ۱۳۷۵).</p>	<p>از جزء به کل با مطالعه تمام جوانب اثر فرم و محتوا (ظاهر و باطن). کالبد و فرا کالبد. صورت و معنا (بهار، ۱۳۵۵). شکل بیرونی و شکل درونی (ولاک و وارن، ۱۳۹۹) سبک کشف می‌شود.</p>
<p>هر سبک در قالب یک فرهنگ لغت است که انواع قطعات و نقش‌ها و روابط متقابل آنها را شامل می‌شود (Zhu, 2005).</p>	
<p>سبک نوعی الگو یا قالب بصری در بطن اثر هنری است که مورخ هنر از این ابزار برای طبقه‌بندی و تبیین تغییرات سبکی بهره می‌برد (مایرز، ۱۳۹۰).</p>	
<p>واژه سبک که در هنرهای تصویری استفاده می‌شوند اشاره دارد به جنبه‌هایی از اثر که اجازه می‌دهد کارهای خاص و ویژه ارجاع داده شوند یک زمان و مکان و سرانجام یک دست خط و امضاء منحصر به فرد (Parker, 1990).</p>	
<p>سبک در معماری راهی است برای مدون کردن ساختمان‌سازی همگام با زمان (Crook, 1987).</p>	
<p>سبک معماری دستگاه هماهنگی از محدودیت‌های معماری است که نقش و ویژگی‌های عناصر معماری را محدود و منحصر می‌کند و تنها اجازه ارتباط آنها را با معماری مطابق با سبک را می‌دهد (Fielding, 2000: 13).</p>	
<p>سبک‌ها مکانیزمی هستند برای طبقه‌بندی معماری و تعریف کردن ویژگی‌های مشترک (Fielding, 2000: 14).</p>	
<p>سبک‌ها با نگاهی ریخت‌شناسانه مقایسه و به قصد بازشناسی سنجاییشان در تقابل هم قرار می‌گیرند (Fletcher: 1967).</p>	

می‌توان معلول ذهنیت حسی دانست که موجب ظهور ویژگی طبیعت‌گرایی در هنر می‌شود و سبک یا سبک‌هایی با این ویژگی به وجود می‌آیند. وقتی ذهنیت حسی به آخرین حد منطقی‌اش می‌رسد؛ مردم به نظام‌های مفهوم‌پردازانه پناه می‌آورند. هنر در این زمان سرشار از مفاهیم عرفانی و تکلف و ظرافت می‌گردد. سپس در ذهنیت آرمان‌گرایانه

۲-۲) سیر تحول تداومی چرخه‌ای^{۳۷}: سیر تحول هنر و به تبع آن سبک‌های هنر بر اساس این دیدگاه در سه گونه ذهنیت در نوسان است، ذهنیت حسی، مفهوم‌پردازانه و آرمان‌گرایانه. به عبارت دیگر در مطالعه سبک‌ها، در سیر تاریخی می‌توان این سه ذهنیت و تاثیراتش را یافت که به صورت چرخه‌ای ادامه می‌یابند. بر این مبنا گرایش به طبیعت را

در قسمت الف این بخش اشاره شد که گروهی سبک را ارزشی می‌دانند برای برخی از آثار و گروه دیگر که شامل تاریخ‌نگاران می‌باشند از سبک به عنوان ابزار طبقه‌بندی استفاده می‌کنند. در نزد این گروه دوم نیز بحث ارزش مطرح است. تاریخ‌نگاران معماری بر اساس انگیزه و هدف به سبک نگاه متفاوت دارند.

(۱) گروهی از سبک‌شناسی برای تدوین روایت تاریخی کمک می‌گیرند. اینان هرگونه قضاوت درباره درستی یا نادرستی آنچه ساخته شده را صحیح نمی‌دانند و معتقدند چنین قضاوت‌هایی معمولاً مسیر تاریخ‌نگاری را منحرف می‌کند (استنفورد، ۱۳۸۴: ۸۲).

(۲) گروه دیگر اما سبک‌ها در نزدشان هم‌ارز نیست. نگاه آنان بر اساس نوعی نظام ارزش‌گذاری است. نزد این تاریخ‌نگاران معماری، نگاه هنرانه و معمارانه بر نگاه تاریخی ارجحیت دارد.^{۴۱} آثار به مثابه تجربه‌هایی است که می‌توان از آنها درس گرفت.

۵- سبک‌شناسی معماری ایران

در تاریخ‌نامه‌های معماری ایران روش‌های بکار رفته در بخش دوم قابل مشاهده است. در ادامه برخی از شاخص‌ترین تاریخ‌نگاران معماری ایران آورده و سعی می‌شود ردپای سبک و سبک‌شناسی در نزد آنها جستجو گردد (جدول ۵ و ۶).

الف) بررسی دیدگاه‌های برخی از پژوهشگران ایرانی^{۴۲} در حوزه تاریخ معماری ایران

شاهد ظهور سبک‌هایی بینابینی هستیم تا اینکه دوباره با شروع ذهنیت حسی چرخه ادامه پیدا می‌کند.^{۳۸}

ه) در خصوص مطالعه عوامل تغییر و تحول سبک‌ها دو نظریه را می‌توان پیگیری نمود:

(۱) برای یافتن عوامل تغییر، از مطالعه‌ی خود آثار شروع می‌کنند و تحولات درونی معماری را عامل تغییر سبک می‌دانند. البته باید توجه داشت این نوع نگاه منکر تاثیر عوامل بیرونی در این تغییر نمی‌باشند نکته مورد توجه نحوه مطالعه است که در بررسی عوامل تغییر در انتخاب الویت با گروه دوم متفاوت‌اند.

(۲) گروهی که عامل تغییر سبک را عاملی بیرونی می‌دانند مانند کسانی که روح زمانه^{۳۹}، عوامل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را عامل تغییر سبک می‌دانند. این عامل بیرونی را نزد آنان که همانند وزاری معتقد به سبک فردی می‌باشند نیز می‌بینیم که معتقد است «سبک با رشد و تحول انسان متحول می‌شود: از کودکی به جوانی، از جوانی به بزرگسالی و سرانجام از بزرگسالی به کهنسالی و مرگ» (مایر، ۱۳۹۰: ۲۳۱).

نزد این گروه نیز برای عوامل بیرونی از لحاظ نزدیکی به خود آثار، می‌توان مراتبی قائل شد:

۱-۲) فرهنگ، سلیق و نظام فکری پدیدآورندگان بیش از الزامات تاریخی و تحولات سیاسی اهمیت دارد.^{۴۰}

۲-۲) با تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بلافاصله می‌توان شاهد تغییر سبک بود.

و) از جهت نگاه قضاوتی داشتن به سبک‌ها:

جدول ۵- دیدگاه برخی از پژوهشگران ایرانی حوزه تاریخ معماری ایران در مورد سبک (ماخذ: نگارندگان).

پژوهشگر	در مورد سبک
محمد کریم پیرنیا (۱۳۷۶-۱۳۹۹ه.ش)	- به دلیل جایگاه ایشان در سبک‌شناسی معماری ایران، برای داشتن مجال کافی برای معرفی و بررسی آرای ایشان، ذیل عنوانی مستقل به آن پرداخته شده است.
مهدی فرشاد	- تنها مورخ ایرانی که قبل از پیرنیا تعریفی روشن از سبک ارائه داده است. - سبک‌های ساختمانی از کاربرد فرم‌های ساختمانی ساده و با ترکیب آنها با یکدیگر به وجود می‌آیند. - تعریف سبک را وابسته به عنصر فرم می‌داند که آن نیز وابسته به دو پارامتر دیگر یعنی موجودیت فیزیکی و ویژگی‌های مکانیکی است.
محمد یوسف کیانی	- مبنای طبقه‌بندی قرار گرفته دوره‌های حکومتی ایران. - واژه شیوه متکی به مفهوم دوره است و زمانی می‌تواند معنادار باشد که همراه و همزاد دوره به کار رود. - سبک به مفهوم شیوه ولی در بعضی موارد در مقیاس کوچکتر است. در توضیح معماری مناطق محدودتر و کوچکتر به جای واژه شیوه از واژه سبک و اسلوب استفاده نموده است.
باقر آیت‌آبادی... زاده شیرازی	- از بزرگان عرصه حفاظت و مرمت معماری ایران. - در موضوع طبقه‌بندی آثار برای واژه دوره پیش از دیگر واژه‌ها اعتبار قائل بود. - اگرچه خصلت‌ها و خصوصیات فنی آثار مدنظر است اما در تبیین بازه زمانی آنها ساختارهای حکومتی و سیاسی را پیش از سایر موارد اهمیت می‌داد. - از واژه سبک بیشتر برای دلالت بر خصوصیات فنی یک اثر دوره خاص استفاده نموده است.
سید محسن حبیبی	- تاریخ شهرسازی ایرانی را بر اساس سبک‌شناسی پیرنیا به پنج سبک طبقه‌بندی نموده است. - واژه‌های شیوه و سبک دارای معنای واحدی بکار رفته‌اند و تمایز زیادی باهم ندارند. - درحوزه تاریخی اصفهان و در مقطع زمانی یازدهم تا سیزدهم به جای شیوه یا سبک عنوان مکتب اصفهان را در شهرسازی مطرح می‌نماید. - واژه‌های نظیر سبک و شیوه اجزایی از مکتب هستند یا به وجه بهتر اینکه بخش‌هایی از مکتب را اگر از آن حذف کنیم به سبک یا شیوه می‌رسیم. - سبک‌ها یا شیوه‌ها در ایران می‌توانند زیر گروه‌ها یا زیر مجموعه‌ها یا زیر سبک‌هایی هم داشته باشند نظیر سبک هلنی-پارتی.
غلامحسین معاریان	- روش‌های پژوهش معاریان و به تبع آن، آثار وی بسیار متنوع است. - تعریف: سبک وجوه مشترک معماری یک دوره تاریخی را بیان می‌دارد. - سبک و شیوه را مترادف هم در نظر می‌گیرد. - در چاپ‌های اول کتاب سبک‌شناسی پیرنیا، شیوه‌های معماری ایرانی را استفاده نموده است و در چاپ‌های بعدی است که نام کتاب به سبک‌شناسی معماری ایرانی تغییر نام می‌دهد.
نسرین گلیجانی مقدم	- سبک را زیرمجموعه دیدگاه هنرشناسانه (یکی از ۵ دیدگاه مورد نظر ایشان به تاریخ معماری) برشمرده است. - سبک ابزار و روش برای نزدیک شدن به حقیقت اثر هنری در تاریخ هنر است که منجر به «تفکیک آثار براساس شباهت‌های شکلی موجود، زمان و یا دوره‌های آفرینش‌ها» می‌گردد (گلیجانی مقدم، ۱۳۸۶، ۲۸).
محمدحسن خادم‌زاده	- در رساله‌ی دکتری خود با بررسی و مقایسه تعدادی بنا در ایران و تعدادی بنا در یزد در بازه زمانی مشخص سعی در اثبات این موضوع دارد که یزد در بازه زمانی انتخابی دارای معماری متمایز از سایر نقاط است و نام آن را شیوه یزدی می‌گذارد. تعریف شیوه: «به نام سرزمین، دلالت بر ویژگی‌های قومی، وختصاصات فنی، شکلی و اندیشه‌های رایج در یک مقطع زمانی مشخص» (خادم‌زاده، ۱۳۸۸: ۷۸-۷۳).

محققانی که بر روی مبانی تاریخ‌نگاری و سبک‌شناسی کار کرده‌اند

<p>- در مورد سبک تکلیف مشخص نیست! هر چند در ابتدا وقتی «مفاهیم اصلی و واژگان» را شرح می‌دهد اشاره دارد که «شیوه مرتبه پایین تر و حتی در مواردی بالاتر از سبک را در بیان محدوده‌های طبقه‌بندی (اکثراً محدوده‌های سرزمینی) به خود اختصاص می‌دهد» (خادم‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۴). اما در ادامه و بدنه پژوهشش دیگر به این تفاوت اشاره ای ندارد و در بخش «تحلیل» به این نتیجه می‌رسد که «واژه شیوه را می‌توانیم هم‌سنگ کلمه سبک بکار بریم زیرا معادل فارسی آن است و از طرفی ترجمه تحت الفظی انگلیسی آن، Style آمده است و معانی آن نیز مترادف هم ذکر شده‌اند.» و در ادامه توصیه می‌کند: «استفاده از معادل فارسی آن یعنی واژه شیوه ارجحیت دارد» (خادم‌زاده، ۱۳۸۸: ۷۷).</p>	
<p>- در رساله‌ی دکتری خود به دنبال مبنایی نظری برای دوره‌بندی در تاریخ معماری ایران است. - «دوره‌ها در تاریخ معماری، بنا بر نگرش مورخ، با توجه به تغییرات رخ داده در معانی، خیال، اندیشه‌ها، یا فنون و نحوه‌ی ساخت و ویژگی‌های طرح‌ها و فضاها و... شناسایی می‌شوند» (گلداری، ۱۳۹۳: ۷۶). - به نقل از گیدئون^{۴۳} سبک را مترادف با مشخصه‌های صورت آثار می‌داند و مشخصه‌های دوره را عمیق‌تر از آن می‌شمارد (گلداری، ۱۳۹۳: ۷۷).</p>	<p>فاطمه گلداری</p>
<p>- در رساله دکتری خود مسئله را یافتن و پیشنهاد مبنایی نظری تازه‌ای برای سبک‌شناسی معماری ایران عنوان نموده است. سبک‌شناسی در تاریخ‌نگاری معماری شامل دو سطح طبقه‌بندی آثار و تدوین روایت سبکی است. - از روش تحلیل مایگانی یا مضمون^{۴۴} برای مقایسه تاریخ‌نامه‌ها استفاده نموده تا مولفه‌های سبک‌شناسی را استخراج و به کمک آنها «وضع رایج سبک‌شناسی» را قالب «مدل»ی معرفی کرده است. (حیدری دلگرم، ۱۳۹۵: ۱۵۵-۱۵۴)</p>	<p>مجید حیدری دلگرم</p>

ب) بررسی دیدگاه‌های برخی پژوهشگران غیر ایرانی^{۴۵} در حوزه تاریخ معماری ایران

جدول ۶- دیدگاه برخی از پژوهشگران غیر ایرانی در حوزه تاریخ معماری ایران در مورد سبک (ماخذ: نگارندگان).

در مورد سبک	پژوهشگر
<p>- مبنای تقسیم‌بندی عملکرد بناها به عنوان پایه کار انتخاب کرده است. سپس در دوره‌های حکومتی و بعد از اندکی ویژگی‌های سرزمینی. - گذار نگاهی معمارانه دارد و تلاش می‌کند وقایع و آثار معماری را با بهره‌گیری از زمینه‌های اجتماعی-سیاسی و تا حدودی فرهنگی تاریخی تفسیر کند. رویکرد و تحلیل‌های آن مورد اقتباس بسیاری قرار گرفت. - به دلیل نداشتن شناخت دقیق از بسیاری از مختصات فرهنگی و اجتماعی ایران و نیز نگاهی بی‌طرفانه بعضی تفسیرهای او بسیار بحث‌برانگیز است. پیرنیا در مقالات خود در مورد بسیاری از آرای او تشکیک و آنها را رد کرده است. - برای اولین بار در ایران و قبل از استاد پیرنیا به سبک خراسانی اشاره می‌کند.. سبک خراسانی گذار هم از لحاظ زمانی هم از لحاظ ویژگی با سبک خراسانی پیرنیا متفاوت است.</p>	<p>آندره گلداری^{۴۶} (۱۸۸۱- ۱۹۶۵م)</p>

<p>- به تداوم همراه با تکامل و پیشرفت در تحول سبک در معماری ایران اعتقاد دارد.</p> <p>- این مطلب که معماری ایران فاقد سبک تاریخی است را رد می‌کند.</p> <p>- مکتب شأنی نازل‌تر از سبک را در خود اختصاص می‌دهد و به اختصاصات هنری در مقیاس محلی و منطقه‌ای عنوان مکتب را داده است.</p> <p>- مکتب اشاره مستقیم به مکان تولد اثر دارد و شامل آن دسته از آثاری می‌شود که به موقعیت جغرافیایی خاص و مشخصی تعلق دارند.</p> <p>- این شخصیت‌های سیاسی و حکومتی هستند که با بکارگیری هنرمندان و تغذیه مالی و پشتیبانی‌های سیاسی موجب به وجود آمدن سبک‌های هنری در تولید آثار می‌شوند.</p> <p>- نام‌گذاری سبک‌ها و ملاک و معیار طبقه‌بندی آنها می‌بایست بر مبنای سیاسی باشد نه فنی.</p>	<p>دونالد ویلیبر^{۴۷} (۱۹۰۷-) ۱۹۹۷م)</p>
<p>- مبنای تقسیم‌بندی تاریخ هنر ایران را بر دوره ویا به بیان بهتر ساختارهای قدرت بنیان نهاده است.</p> <p>- واژه سبک در طبقه‌بندی ایشان تقریباً به همان معنای شیوه آمده است.</p> <p>- واژه شیوه بکار گرفته شده دلالت بر بعضی از اجزا و عناصر مهم در ساختمان معماری.</p> <p>- سبک‌هایی در معماری ایران تشخیص داده و آنها را بر دوره‌های تاریخی منطبق کرده است.</p>	<p>آرتور اپهام پوپ^{۴۸} (۱۸۸۱-) ۱۹۶۹م)</p>

ج) محمدکریم پیرنیا و سبک‌شناسی معماری

گردیده است نام‌هایی بر آنها نهاده شده است که چندان مناسب نمی‌نماید؛ حال آنکه سبک‌های شعر فارسی که توسط دانشمندان ایرانی مورد مطالعه و دسته‌بندی قرار گرفته است دارای نام‌های منطقی و مناسب است» (پیرنیا، ۱۳۴۷، ۴۳).^{۴۹} «نزدیکترین همسایگان هم هرگز نمی‌توانند خانه ما را، چنانکه خود می‌شناسیم، بشناسند.» (پیرنیا، ۱۳۵۳: ۴۷).

۲) چگونگی در پروژه پیرنیا (روش تحقیق)
- پیرنیا سبک را ابزار و روش طبقه‌بندی آثار معماری می‌داند.

- به دلیل اشراف پیرنیا به حوزه ادبیات از یک سو و شناخت وی از تاریخ تاریخ هنر غرب، سبک فردی، گروهی و سبک دوره را بخوبی می‌شناسد. وی در کنار تشریح اثر و عوامل تأثیرگذار بر آن به نقش سلیقه و روحیات صاحب اثر نیز توجه دارد. توجه‌اش به انسان ایرانی و تلاش برای معرفی صاحب‌اثر، در ضمن بررسی اثر، موضوعی است که

بررسی سبک‌شناسی معماری ایران بدون نام‌بردن از پیرنیا و بیان آنچه او در این حوزه کرده، مطالعه‌ای ابتر خواهد بود. که وی اولین ایرانی است که در دوران معاصر نظریه را وارد مطالعات تاریخ معماری نمود و بر اساس آن منظومه‌ای کمابیش جامع و دستگامی کل‌نگر برای شناخت و فهم معماری ایرانی پدید آورده است. در ادامه سعی می‌شود به این سوال که نسبت پیرنیا با سبک‌شناسی معماری ایران چیست پاسخ داده شود.

۱) چرایی پروژه پیرنیا (بیان ضرورت)

«یکی از مطالبی را که باید زودتر از مباحث دیگر مورد بررسی قرار داد سبک‌شناسی معماری ایران و طبقه‌بندی سبک‌های مختلف آن است. متأسفانه از آنجا که تاکنون سبک‌های مختلف معماری ایران به طور پراکنده و توسط دانشمندان غیرایرانی مطالعه

در میان تاریخ‌نامه‌های مشابه درباره ایران به ندرت دیده شده است. او به این ترتیب شناخت سبک و اثر را محملی برای شناخت صاحب‌اثر قرار داده و درباره چگونگی بروز و اجابت این سلیقه در آثار نیز بحث کرده است.

در نظر پیرنیا محقق تاریخ معماری باید کاملاً با فرهنگ و انسان پدیدآورنده آن معماری آشنا و مأنوس باشد، برای او نه صرف آشنایی و تجربه برخورد با آثار که مأنوس بودن با صاحب اثر و سنت و فرهنگ پدیدآورنده اثر است که به محقق شایستگی نقد و بررسی تاریخ معماری را می‌دهد.

مبنای طبقه‌بندی و نام‌گذاری سبک‌های معماری ایرانی از نظر پیرنیا سرزمین‌هایی است که معماری در آن تولد یافته و رشد کرده و سپس در اکثر نقاط گسترده شده است.

اصول معماری^{۵۰} بیان شده پیرنیا در نزد وی دو کاربرد دارد: پیرنیا از آنها به عنوان ویژگی‌های عمومی معماری ایرانی نام می‌برد همچنین از آنها به عنوان معیار بررسی و ارزش‌گذاری سبک‌ها استفاده می‌کند.

سبک‌ها در نظر پیرنیا هم ارزش نیستند و می‌توان آنها را بر اساس میزان تخطی از اصول معماری ایرانی ارزش‌گذاری نمود. این امر را می‌توان در هدف وی از سبک‌شناسی دانست. رویکرد پیرنیا هنرانه و معمارانه است و به معماری گذشته به مثابه تجربه‌هایی برای درس گرفتن نگاه می‌کند.

پیرنیا صورت اثر را، از مصالح و اجرا تا طرح و سازه، تحلیل می‌نماید و منطقی‌هایی را در مراتب مختلف و در نسبت با آن صورت آشکار می‌کند و

صورت را به ایده‌ها و عواملی در پس آن پیوند می‌دهد. عوامل شکل‌دهنده به صورت آثار از نظر پیرنیا این سه است: روحیات و سلیقه انسان ایرانی، شرایط سیاسی و اجتماعی، شرایط اقلیمی و طبیعی.

پیرنیا عامل تغییر سبک‌ها را از نوع بیرونی نوع اول، یعنی تغییر فرهنگ و سلیقه و نظام فکری پدیدآورندگان می‌داند از این جهت سبک‌شناسی وی به لحاظ چگونگی تحلیل‌ها و طبقه‌بندی تفاوت‌هایی با تاریخ‌نامه‌های مشابه دیگر خود دارد. برای نمونه، پیرنیا برخلاف بسیاری دیگر از مورخان، معماری دوره اشکانی و ساسانی را همچنین دوره ایلخانی و تیموری را پیوسته به هم دیده و توانسته تحول معماری را در دو دوره هرکدام به صورت فرآیندی کلی و به هم پیوسته مشاهده کند. این موضوع حکایت از زاویه دیدی دارد که در آن فرآیندهای تحول بیش از محصول و آثار مورد توجه است. در این زاویه دید کل فرآیندهای طی شده و آثار و دوره‌های دخیل در آن بر شباهت آثار دوره‌ها ارجحیت دارد.

پیرنیا سبک‌شناسی را اینطور تعریف نموده است: معماری هر گوشه‌ی جهان دارای اصول و ضوابطی است که به تناسب اقلیم و آب و هوا و روش زندگی و آداب و آیین و نیز نوع مصالح، شیوه‌های ویژه‌ای را پدید می‌آورد که با توجه به آنها می‌توان روش‌های گوناگون معماری را بازشناخت. شناخت این شیوه‌ها را شیوه‌شناسی یا سبک‌شناسی می‌گویند (پیرنیا، ۱۳۵۳).

پیرنیا این سه است: روحیات و سلیقه انسان ایرانی، شرایط سیاسی و اجتماعی، شرایط اقلیمی و طبیعی.

پیرنیا عامل تغییر سبک‌ها را از نوع بیرونی نوع اول، یعنی تغییر فرهنگ و سلیقه و نظام فکری پدیدآورندگان می‌داند از این جهت سبک‌شناسی وی به لحاظ چگونگی تحلیل‌ها و طبقه‌بندی تفاوت‌هایی با تاریخ‌نامه‌های مشابه دیگر خود دارد. برای نمونه، پیرنیا برخلاف بسیاری دیگر از مورخان، معماری دوره اشکانی و ساسانی را همچنین دوره ایلخانی و تیموری را پیوسته به هم دیده و توانسته تحول معماری را در دو دوره هرکدام به صورت فرآیندی کلی و به هم پیوسته مشاهده کند. این موضوع حکایت از زاویه دیدی دارد که در آن فرآیندهای تحول بیش از محصول و آثار مورد توجه است. در این زاویه دید کل فرآیندهای طی شده و آثار و دوره‌های دخیل در آن بر شباهت آثار دوره‌ها ارجحیت دارد.

پیرنیا سبک‌شناسی را اینطور تعریف نموده است: معماری هر گوشه‌ی جهان دارای اصول و ضوابطی است که به تناسب اقلیم و آب و هوا و روش زندگی و آداب و آیین و نیز نوع مصالح، شیوه‌های ویژه‌ای را پدید می‌آورد که با توجه به آنها می‌توان روش‌های گوناگون معماری را بازشناخت. شناخت این شیوه‌ها را شیوه‌شناسی یا سبک‌شناسی می‌گویند (پیرنیا، ۱۳۵۳).

۳) چستی پروژه پیرنیا (سبک‌شناسی یا شیوه‌شناسی)

با رفتن پیرنیا منظومه‌ی کامل سبک‌شناسی او نیز، آنچنان که در تصورش بوده، از میان رفته است. این در پدید آمدن تضاد در تقریرهای مختلف او مؤثر بوده و سبب شده روایت‌های موجود از پروژه وی ناقص باشد. از سوی دیگر اظهارات متفاوت‌اش در مورد سبک‌شناسی معماری ایران، از زمان مطرح کردن آن برای اولین بار از سال ۴۷ تا پایان زندگی‌اش در سال ۷۶ و اینکه تمام نظر خود را مدون و یکجا به تحریر در نیاورده است فهم درست ماهیت آنچه انجام داده را با مشکل مواجه می‌کند. لذا به ناچار باید به آثار مختلف باقیمانده از او، اعم از تقریرها و تقریرها و فایل‌های تصویری و صوتی مصاحبه‌ها و کلاس‌های درسش مراجعه و در آرای او در این باره جستجو نمود تا بتوان مراتبی از این بحث را روشن کرد.

اینکه پروژه پیرنیا سبک‌شناسی است یا شیوه‌شناسی؟ را می‌توان از دو جهت بررسی نمود:

اول اینکه بنا بر آنچه تا اینجا مقاله آمد می‌توان گفت چیزی که به عنوان سبک‌شناسی پیرنیا وجود دارد از جهت مبانی، خصوصاً هدف و تعریف عملیاتی با آن چیزی که به معنای متعارف سبک‌شناسی در تاریخ‌نویسی هنر و معماری غرب خصوصاً نزد شرق‌شناسانی که در مطالعات خود به سبک‌های معماری ایران اشاره نموده‌اند وجود دارد متفاوت است. اما همانطور که مطالعه تاریخ سبک‌شناسی غرب و همینطور تبارشناسی آن نشان داد، به دلیل اعتباری بودن این شیوه مطالعه، تعدد تعاریف و انواع رویکردها در سبک‌شناسی منطقی

است و بنا به نوع و ویژگی آثار، خصوصاً هدف از مطالعه و طبقه‌بندی تصمیم‌گیری متفاوت است و این مقاله معتقد است این امر نکته قوت این روش مطالعه است. پس نامیدن پروژه منحصر به فرد و باارزش پیرنیا، به دلیل شباهت‌های بی‌شمارش با نظریه سبک‌شناسی در تاریخ معماری، به عنوان «سبک‌شناسی معماری ایران» قابل دفاع است.

و دوم اظهار نظر خود پیرنیا درباره دو واژه سبک و شیوه است:

– هفت سال بعد از اینکه برای اولین بار سبک‌شناسی و سبک‌های معماری ایران را معرفی می‌کند در مقاله «خواب‌آلودگان به شیوه‌های معماری ایرانی نام بیگانه می‌نهند.» از شیوه‌های معماری می‌گوید اما آیا واقعا منظور جایگزین کردن دو واژه با یکدیگر مدنظر بوده است؟ با دقت در متن مقاله، آنجا که به «شیوه یا سبک عربی» نامیدن مساجد شهبستانی ایران اعتراض می‌کند یا توضیحاتی که در ادامه از مساجد ایران می‌دهد می‌توان اینطور استنباط نمود که منظور ایشان برای شیوه نگاه فرمی و شکلی است. و نمی‌توان مرتبه واژه شیوه را با توضیحاتی که از سبک در دو مقاله قبلی خود آورده برابر دانست.

– در کتاب «سبک‌شناسی معماری ایرانی» (تدوین معماریان) شیوه را معادل Style هنر غربی می‌داند و دلیل جایگزین شدن این واژه را ملک‌الشعراى بهار که سبک‌شناسی را در ادبیات پایه گذاشت می‌داند (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۲۰). اما نامیدن دبستان [مکتب] به شیوه‌ی بنیادی و قائل بودن به شیوه‌های فرعی چون اندونزی در کنار چهار شیوه اصلی و سپس تقسیم‌بندی شیوه ایرانی به شش شیوه و در ادامه استفاده از واژه سبک و شیوه بجای یکدیگر در طول

مبانی مرمت معماری ایرانی، پایان دادن به سلیقه‌پردازی‌ها و در اختیار داشتن روش و راه مشخص برای شناخت اثر در یک پروژه مرمتی.

«حفظ و مرمت و پاس‌داشت و مستندسازی آثار تاریخی مقدمه‌ی مطالعه در این آثار است؛ اما خود نیازمند این مطالعه نیز هست. به سخن دیگر، حفظ آثار تاریخی لازمه مطالعه در آنهاست و مطالعه در آثار تاریخی لازمه حفظ آنها. کار در آثار تاریخی معماری ایران یعنی کار در تاریخ معماری ایران مجموعه‌ای است از فعالیت‌های تحقیق و مدیریت و سیاست و مرمت. همه این کارها نیازمند بنیادهای نظری استوار است. بدون بنیاد نظری، این کارها یله می‌ماند و به هم نمی‌پیوندد» (قیومی بیدهندی، ۱۳۸۶: ۶). «اصولا تاریخ‌نگاری معماری در حوزه حفظ احیا و مرمت بناهای تاریخی چه در بعد تدوین نظریه و چه در مرحله شناخت و به عنوان مقدمه‌ای ضرورتی برای امر طراحی کاربرد دارد.» (گلیجانی مقدم، ۱۳۸۶: ۱۹۰).

از لحاظ جایگاه سبک‌های معماری و سبک‌شناسی معماری در حوزه مرمت می‌توان اهمیت آنرا از دو دیدگاه بررسی نمود:

الف) اهمیت سبک‌شناسی معماری در مرمت معماری به واسطه اهمیت شناخت جامع و کامل یک بنا. در این دیدگاه سبک‌شناسی به عنوان یکی از روش‌های طبقه‌بندی در تاریخ هنر و معماری در مرمت جایگاه ویژه دارد.

ب) اهمیت سبک‌شناسی معماری در مرمت به این دلیل که در نزد گروهی از صاحب‌نظران مرمت، معماری تاریخی از آن جهت که دارای سبک است اهمیت دارد. اینان براساس نگاه افلاطون به سبک،

کتاب این نتیجه را می‌دهد که سبک و شیوه نزد ایشان در این کتاب، یکسان و تنها به دلیل قدمت استفاده شیوه، بر سبک ارجحیت دارد (پیرنیا، ۱۳۸۳).

- بررسی سیر زمانی نوشته‌ها، مصاحبه‌ها و فایل‌های صوتی پیرنیا نشان می‌دهد با ادامه پژوهش ایشان در معماری ایران و پخته‌تر شدن مبانی فکری‌شان خصوصا بعد از فراغت یافتن از کارهای اجرایی از نیمه دوم دهه ۵۰ ه.ش، به این نتیجه رسیده‌است که «تا سبک‌شناسی راه بسیار است. آنچه انجام شده شیوه‌شناسی است.» (درباره معماری ایرانی فعلا باید واژه شیوه را بکار برد) (پیرنیا، ؟: فایل صوتی). در نوشته‌های متاخر واژه شیوه را بیشتر استفاده نموده است. می‌توان اینطور استنباط نمود که در نزد پیرنیا پروژه مطالعه تاریخ معماری‌اش ناتمام بوده و شیوه را در مرحله نخست نسبت به سبک در نظر داشته است.

۶- معرفی رویکرد پیشنهادی برای سبک‌شناسی معماری ایران

بنا به آنچه در این مقاله آمد می‌توان با توجه به هدف، سه نوع رویکرد به سبک را در تعاریف عملیاتی متصور شد: نخست به نیت روایت تاریخی برای تاریخ‌نویس با هدف‌های علم تاریخ، زیرمجموعه تاریخ هنر. دوم: با هدف آموزش برای طراحی معماری و درس برای معماری امروز در جهت بهبود آن با بهبود حس خودباوری و شناخت داشته‌های خود برای مدد گرفتن از مبانی و فن گذشته در جهت تعریف معماری ایرانی امروز. و سوم: با دغدغه‌ی حفاظت و مرمت، هدف مدد گرفتن از سبک‌شناسی معماری برای تبیین و تدوین

تا در مجموع سبک بنای تاریخی موجود را معرفی نماید. (جدول ۷)

جزئیات تعریف پیشنهادی از سبک‌شناسی معماری ایران با انگیزه حفاظت معماری

معماری ایران در زمان ساخت ویژگی‌هایی دارد که آن را می‌توان هستی یا وجود نام‌گذاری نمود که همان هویت اولیه اثر است که خود متأثر از زمینه‌ها، لایه‌ها و یا حوزه‌های متفاوت ظاهری و باطنی (صورت و معنا، کالبدی و فراکالبدی) چون زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، جغرافیایی، زیباشناختی، ریخت‌شناختی و... لایه‌هایی چون: نوع، گونه و کارکرد، ساختار، سازه، نما، احجام، جانمایی در پیرامون و حوزه‌هایی چون: سنت‌ها، اعتقادات، عرف‌ها، الگوها و... است این هویت اولیه در طول زمان از بین نمی‌رود بلکه با نسبت‌های متفاوت دچار تغییر و تحول شده که شخصیت یا ماهیت امروزی اثر تاریخی را تعریف می‌کند سبک به این شخصیت اثر تاریخی می‌پردازد.

کوچکترین واحد این تعریف مولفه است که به دو گروه، زمان ساخت و دخالت‌ها در دوره‌های مختلف تا به امروز، تقسیم می‌شوند. مولفه‌ها با این که علاوه بر حوزه‌های ظاهری و کالبدی از حوزه‌های باطنی و فراکالبدی نیز ناشی شده‌اند کاملاً تجربه‌گرایانه و صورت‌مدارانه است به عبارت دیگر مولفه‌های عینی‌اند هرچند ممکن است بعضاً ناشی از امور حسی و معرفتی باشند. مولفه‌ها بعد از گردآوری تمام ویژگی‌های ملموس و قابل درک یک بنا سپس بررسی و دسته‌بندی آنها حاصل می‌گردد.

قائل به اصالت سبک در اثر هنری است. رویکرد «مرمت سبکی» به عنوان یکی از رویکردهای گوناگون در خصوص مطالعه، میزان و نحوه مداخله در بناهای تاریخی تاثیرگذار بوده است. (یوکیلهتو، ۱۳۸۷) رویکردی که منجر به «بازسازی سبکی^{۱۵}» و «پاکسازی سبکی» در تاریخ مرمت معماری گردید (فلامکی، ۱۳۷۴).

ویوله لود و^{۱۶} (۱۸۱۴-۱۸۷۹م) معمار فرانسوی به عنوان نظریه‌پرداز مرمت سبکی شناخته می‌شود. خلاصه نظریه وی را می‌توان اینگونه بیان نمود:

۱- بخش‌هایی که بعد از ساخته شدن اثر بر آن افزوده شده‌اند باید برداشته شوند.

۲- در صورت تخریب بخشی از بنا به هر علت و یا ناقص مانده بخشی از آن در زمان ساخت.

۳- مرمت کننده باید خود را در نقش سازنده اصلی تصور کرده و با توجه به سبک و امکانات فنی دوره اثر آنرا تکمیل نماید.

این رویکرد مرمتی امروزه با مخالفت‌های جدی روبرو است (فلامکی، ۱۳۷۴).

منظورنظر این مقاله از سبک‌شناسی و کاربرد آن در مرمت دیدگاه اول را شامل می‌شود و با مرمت سبکی بسیار زاویه دارد. محدود کردن سبک‌شناسی یک اثر معماری تنها به دوره ساخت خود، اثری که امروز با آن مواجه ایم، سبک‌شناسی را خصوصاً در حوزه تاریخ معماری و بخصوص حفاظت و مرمت با چالش مواجه می‌سازد و از کارآمدی سبک می‌کاهد. اما تعریف سبک‌شناسی پیشنهادی این مقاله علاوه بر قاعده‌های زمان آفرینش اثر به عنوان یک مولفه مهم به دنبال مولفه‌های دیگری نیز است

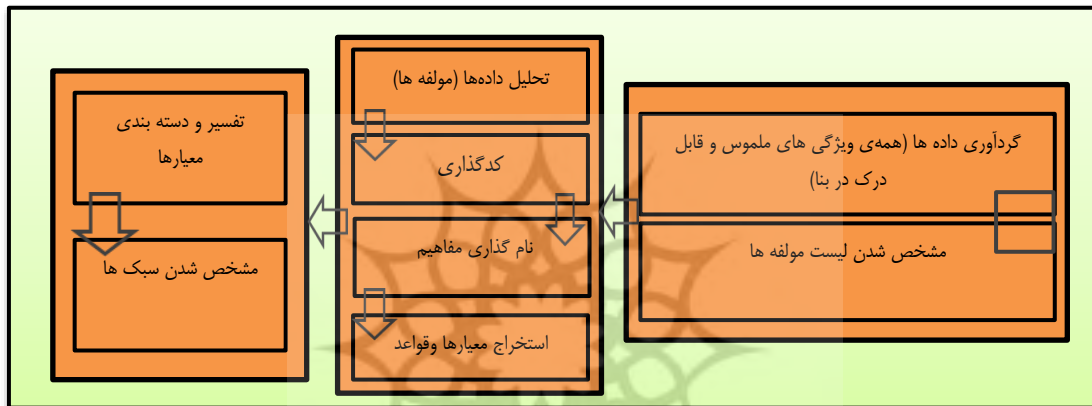
جدول ۷- لزوم رویکرد پیشنهادی برای سبک‌شناسی معماری ایران با انگیزه حفاظت معماری (ماخذ: نگارندگان).

در نگاه تعریف پیشنهادی مقاله	چالش	در نگاه کلاسیک سبک (تعریف موجود)
<p>سبک به عنوان رویکردی برای مطالعه معماری که در گذشته به وجود آمده نه به عنوان اصالتی که ویژگی اثر باشد. تصور هویتی ثابت و ایستا برای اثر تاریخی اشتباه است.</p>	<p>برای مشاهده کننده یا محقق امروز به عنوان کسی که از زمان ساخت بنا فاصله گرفته سبک بنا می‌تواند امری دارای تشخیص ویژه باشد اما آیا برای سازنده اصلی هم این گونه بوده است؟</p>	<p>سبک مورد نظر برخی تنورسین‌های مرمت: سبک دارای اصالت است سبک در بطن آن قرار دارد و توسط پژوهشگر کشف می‌گردد.</p>
<p>سبک با عبور از گذر زمان و با در نظر گرفتن همه تغییرات در آن تشخیص می‌یابد نه در زمان به وجود آمدن. هویت اولیه که به مثابه هستی یا وجود خود از زمینه‌ها، لایه‌ها و یا حوزه‌های متفاوت ظاهری و باطنی تشکیل شده در طول زمان از بین نمی‌رود بلکه با نسبت‌های متفاوت دچار تغییر و تحول شده که شخصیت یا ماهیت امروزی اثر تاریخی را تعریف می‌کند سبک به این شخصیت اثر تاریخی می‌پردازد.</p>	<p>ویژگی‌ها و یا هویت اثر با گذشت زمان ممکن است تغییر کند.</p>	<p>سبک (سبک دوره) در بازه‌های زمانی تعریف می‌شود.</p>
<p>مؤلفه زمان در این تعریف سبک، برخلاف تعریف رایج که سبک را به عنوان دوره یا بازه‌ی مشخص در نظر می‌گیرد، محدود نیست.</p>	<p>معماری به مثابه شیئی متحرک در زمان و حفظ هویت (برندی، ۱۳۸۸) اما این هویت همان هویت زمان ساخت و به وجود آمدن اثر نیست.</p>	<p>زمان به صورت امری خطی و پیش‌رونده شناخته می‌شود. (چه مستقیم چه دورانی)^{۵۳}</p>
<p>در تعریف پیشنهادی سبک دیگر «اصل ثابت و مطلق آغازین و مرتبط با نقطه‌ای در زمان گذشته» (Rab, 1997: 237) نیست، بلکه علاوه بر قوانین، قواعد و درمجموع نظام ناظر به فرم، ساختار و عملکرد بنا در آن زمان - نظامی که به عقیده لودو در تناظر میان وجه مفهومی معماری از یک سو و مسائل اجرایی از سوی دیگر شکل گرفته است (Rab, 1997: 237) شامل بررسی تغییرات و نظام ناظر به فرم و ساختار و عملکرد امروز بنا نیز است با این تعریف سبک مشخصه غیر قابل تغییر یک اثر نیست مشخصی‌ای است که در طول زمان تعریف می‌گردد و ممکن است با گذشت زمان در آینده تغییر کند.</p>	<p>در سبک‌شناسی معماری نمی‌توان همان برخوردی که در سبک‌شناسی یک شعر، موسیقی، نقاشی و یا فرش می‌گردد نمود. معماری غالباً در طول زمان دستخوش تغییرات انسانی و غیر انسانی می‌گردد که نسبت به مثال‌های ذکر شده هویت اولیه آن متحول می‌شود.</p>	<p>تأثیرات گذر زمان، امری منفی و کاهنده (Rab, 1997: 237)</p>

بودن مولفه‌ها و قواعد مشخص سبکی مشخص دارد. این سبک، سبک بنای در حال حاضر است با در نظر گرفتن هویت اولیه و همچنین در طول زمان با تاثیر پذیری از همه تغییرات تا به امروز. در حوزه حفاظت معماری با توجه به این سبک می‌توان ضابطه نگاشت و تصمیم‌گیری نمود. (جدول ۸)

دومین واحد این تعریف معیارها یا قواعد و اصول است که از چندین مولفه هم خانواده استخراج می‌شوند. شخصیت هر بنا مجموعه از مولفه‌ها و در نتیجه معیارها و قواعد است که با مطالعه آن قابل تشخیص است. مجموعه معیارها و قواعد هم خانواده، سبک مشخصی را تعریف می‌کنند. هر شخصیتی با دارا

جدول ۸- شرح عملیاتی رویکرد پیشنهادی برای سبک‌شناسی معماری ایران با انگیزه حفاظت معماری (ماخذ: نگارندگان).



۷- نتیجه‌گیری

طرفداران آن متنوع است و هرچه در طی سالها پیش رویم خواهیم دید معنی آن نیز گسترش یافته است. سبک‌شناسی با انگیزه حفاظت و مرمت یکی از رویکردهای سبک‌شناسی می‌تواند باشد. در این رویکرد، تعریف نظری سبک همان است که در سایر رویکردها دیده می‌شود. اما این مقاله برای تعریف عملی، پیشنهاد جدید دارد. به پشتوانه مطالعات تعاریف سبک و سبک‌شناسی در هنر و معماری، تعریف پیشنهادی با نیم‌نگاهی به نوع نگاه اندیشمندان ایرانی به شناخت و با مدد از مفاهیمی چون هستی، وجود، ماهیت، هویت و شخصیت،

اگر پژوهشگر حوزه معماری با توجه به انگیزه و هدف خود به این نتیجه برسد که نیاز به مطالعه متنوع در حوزه‌های گوناگون مرتبط با معماری که بتواند وی را به تعریف چهارچوب و مبانی مشخص و نتیجه مورد قبول برساند، دارد سبک‌شناسی به دلیل آنچه در این مقاله آمد گزینه مناسبی است. استفاده از این رویکرد در پژوهش معماری هم زبان بین‌المللی است و هم انعطاف این را دارد که با مبانی بومی چهارچوب صحیحی بگیرد. این مقاله سعی نمود طیفی وسیع معانی سبک را بررسی نماید. برخی مدعی‌اند تعابیر مختلف از سبک به اندازه

یک بنای تاریخی با شخصیت امروزی‌اش
سبک‌شناسی می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. شروع رسمی این اقدامات به زمان ناصرالدین‌شاه قاجار توسط فرانسوی‌ها بر می‌گردد. (حجت، ۱۳۸۰) با توجه به هدف از این نوع پژوهش‌ها می‌توان مطالعات را در قالب «سه محور اصلی: ۱- حفظ و احیای آثار تاریخی معماری، ۲- باستان‌شناسی و ۳- شرق‌شناسی و ایران‌شناسی» دسته‌بندی نمود. (گلیجانی مقدم، ۱۳۸۶: ۱۸۹).
 ۲. براساس مکتب اثبات‌گرایی (Positivism) استوار است (از کیا، ۱۳۸۲: ۲۹۵-۲۹۶).
 ۳. که بر مکتب پسا اثبات‌گرایی (Post positivism) بنا شده است. توصیفی است که در آن محقق به فرآیند معنی و درک حاصل از واژگان و تصاویر تمایل دارد (از کیا، ۱۳۸۲: ۲۹۵-۲۹۶).
 ۴. بنا به نظر رشیدیاسمی دو گروه علوم انسانی را به دو روش می‌توان مطالعه نمود؛ گروه اول از علوم انسانی مثل تاریخ «تابع اسلوب استقرایی است: زیرا باید از حوادث و وقایعی که مستقیماً مشاهده گشته‌اند قوانین حقیقی را که دایر مدار آن‌ها است بیابند. [گروه] دوم مثل حقوق تابع اسلوب قیاسی هستند که از قانون کلی، احکام جزئیات را پیدا می‌کنند.» (رشیدیاسمی، ۱۳۱۶: ۱۴۴)
- بنابراین در مطالعه هنر و به تبع آن معماری، می‌توان هم به روش استقرایی مطالعه نمود هم قیاسی.

5. Period
6. Typology
7. School
8. Methodology
9. Stylistics
10. morphology
11. Pattern

۱۲. کلارک الگوها را براساس ویژگی‌های فرمی و فضایی بناهای گذشته و در یازده مورد بررسی می‌کند. او معتقد است: این اصول در معماری گذشته باید استخراج شوند تا معماران به ایده‌های نو در معماری معاصر دست پیدا کنند. این موارد شامل:
 - سازه، نورگیری طبیعی، حجم کلی، رابطه پلان و مقطع، توازن و تقارن، رابطه فضای ارتباطی و فضای مورد استفاده، رابطه عناصر یگانه با عناصر تکراری، رابطه جزء به کل، هندسه، عناصر افزایشی و کاهششی، سلسله مراتب. (کلارک، پاوز: ۱۳۸۸)
۱۳. الگوهای الکساندر که به کیفیات فضایی و نیازهای انسانی توجه می‌کنند. او معتقد است: سیستمی که معماری را خلق می‌کند و عناصر سازنده این سیستم هر کدام به خودی خود یک الگو هستند، مثلاً: "پی‌ها، دیوارها، سقف، پنجره‌ها و ... هر کدام ریز الگوهایی هستند که معماری و الگوی دیگری را پدید می‌آورند. (الکساندر، ۱۳۸۱: ۱۰۸)

14. Geneology

۱۵. تبارشناسان در بین اعراب نسابه خوانده می‌شدند.
۱۶. در زبان عربی برای سبک واژه اسلوب، نمط و طرز استفاده می‌کنند. برای سبک معماری نیز «أسلوب العماره»، «نمط معماری» و «الطرز المعماری» و برای سبک‌شناسی هنر اسلامی ترکیبات «النمط من الفن الإسلامي» و «الأسالیب الفنیة الإسلامیة» بکار رفته است.

17. Style
18. Stilus
19. Ism
20. Aristotle
21. Georges Louis Leclerc Comte de Buffon
22. Marcus Vitruvius Pollio
23. Giorgio Vasari

24. Jas Elsner

۲۵. مفاهیم کلی که در علوم عقلی از آنها استفاده می‌شود، در یک تقسیم‌بندی کلی به دو دسته تقسیم می‌گردند، مفاهیم ماهوی و مفاهیم اعتباری. اعتباری یعنی نسبی و قراردادی. علوم اعتباری علمی هستند که احکام آنها قراردادی است.

26. Plato

27. Sir Ernst Hans Josef Gombrich

28. Normative application

۲۹. غلامرضایی در مقاله «سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو» دیدگاه افلاطون و ارسطو به سبک را معرفی و به نتایج آن در سبک‌شناسی حوزه‌ی ادبیات پرداخته است.

30. Style Individual. گویند. «الاسلوب هو الرجل» در منابع عربی در حوزه ادبیات به آن

31. Period Style

در متون فارسی به صورت «طرز عام» آمده است. همچنین به عنوان سبک مرسوم، حاکم و رسمی و یا «سبک عالی یا متعال» (Hawkins: 2011, 16) نام می‌برند.

۳۲. در نزد پیرنیا در گام اول شکل‌گیری هنر، الهام بخش هنرمند طبیعت است. و آنگاه به تدریج «پرداخته‌تر و پخته‌تر» می‌شود تا به اوج کمال و زیبایی خود می‌رسد. این دوره را «دوره‌ی کلاسیک» آن هنر و نهایت زیبایی و کمال آن می‌توان نامید. «هر دستی در آن برند موجب خرابی آن می‌شود. لذا تا مدتی در این دوران اوج می‌ماند. در نهایت، «با دست بردن نه از روی منطقی که از سر هوس سبک فعلی افول می‌کند» (عبداله‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۱۵-۱۱۴).

۳۳. معماریان از دو دیدگاه «تاریخی- تکاملی» و «تاریخی- تداومی» در معماری نام می‌برد (معماریان، ۱۳۹۳: ۱۲۴).

۳۴. ویلبر (Donald N. Wilber) (۱۹۹۷-۱۹۰۷م) از «تکامل و رشد پیگیر سبک معماری در ایران» سخن می‌گوید (ویلبر، ۱۳۴۶: شش).

۳۵. برخی متفکران «پیشرفت مداوم هنر را رد می‌کنند و معتقدند سیر هنر حرکتی است از یک پارادایم به پارادایم دیگر. پارادایم هنری هر دوره سرانجام اعتبار خود را از دست می‌دهد، و ناتوانی‌اش آشکار می‌شود و سرانجام جای خود را به پارادایمی نو می‌سپارد. هر اثر هنری در دل پارادایم پدیدار می‌شود و به اصول و مبانی حاکم بر پارادایم متعهد می‌ماند» (مددپور، ۱۳۸۸: ۳۱). (پارادایم Paradigm الگوواره، سرمشق و الگوی مسلط و چهارچوب فکری و فرهنگی است که مجموعه‌ای از الگوها و نظریه‌ها را برای یک گروه یا یک جامعه شکل داده‌اند).

۳۶. پیرنیا در مورد منشاء سبک آن را رشد یافته سبک‌های منطقه‌ای می‌داند به طوری که سبک‌ها در عرض هم قرار دارند. برخلاف ویلبر که در نظر او سبک‌ها از درون هم زاینده می‌شوند و در ادامه‌ی هم قرار دارند (حیدری دلگرم و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۴).

۳۷. برگرفته از نظریه‌ی چرخه‌ای سوروکین (Pitirim Sorokin) (۱۸۸۹-۱۹۶۸م) که در باب دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی، بر خلاف نظریه‌های تکاملی، اعتقاد به دیدگاه چرخه‌ای دارد. وی «جوامع بشری را میان سه گونه ذهنیت در نوسان می‌دید؛ ذهنیت حسی، مفهوم پردازانه و آرمان‌گرایانه. جوامع مبتنی بر ذهنیت حسی، بر نقش حواس در درک واقعیت تأکید می‌ورزند؛ جوامعی که تحت سلطه‌ی شیوه‌های متعالی‌تر و مذهبی‌تر فهم واقعیت قرار دارند؛ ذهن مفهوم پردازانه دارند و جوامع مبتنی بر ذهنیت آرمان‌گرایانه از نوع گذاری‌اند و تعادل میان دو گونه‌ی دیگر را برقرار می‌سازند» (ریترز، ۱۳۷۴: ۷۸)

۳۸. خاتون‌آبادی در مقاله خود به حضور این چرخه در سبک‌های شعر و معماری ایران اشاره نموده است (خاتون‌آبادی، ۱۳۹۴).

۳۹. Zeitgeist روح زمانه یا روح دوران برای اولین بار توسط هگل معرفی شد و ساحتی است در هر دوره، بنا بر مقتضیات همان دوره (شرایط ویژه‌ی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) سبب بروز و ظهور همانندی بین سبک‌های هنری می‌شود؛ اما در ضمن از آن جا که زمان‌مند است، حاوی وجوه افتراق با دوره‌های قبل و بعد نیز هست (مایر، ۱۳۹۰: ۱۸۶).

- تعبیر میشل فوکو از Episteme (ایپستمه) تا حدی به مفهوم روح زمانه نزدیک است. ایپستمه یا صورت‌بندی دانایی، قالب‌های معرفتی بنیادین است که در هر زمان و مکان خاص، سازنده‌ی دانش است.
- سید حسین نصر اعتقاد دارد در هنر سنتی ایران همان روح قدسی است که وابسته به تغییرات اجتماعی نیست و خارج از محدوده‌ی زمان است (نصر، ۱۳۸۱: ۲۷۶).
- محمدکریم پیرنیا نیز در بررسی سبک‌ها از انسان ایرانی به مثابه پدیده‌ای کلی سخن می‌گوید که محدود به دوره‌ای خاص یا حتی منطقه‌ای خاص از ایران نمی‌شود و برای این روح کلی خصوصیات و نوعی شعور انسانی قائل می‌شود و این روح جمعی را به طور عام «ایرانی» خطاب می‌کند.
- سیروس شمیسا به دیسکورس (Discourse) اشاره دارد به معنی فکر و مسئله‌ای که در دوره‌ای در جامعه‌ای به صورت فراگیر مطرح می‌شود. به عنوان مثال دیسکورس جبر و اختیار و قضا و قدر که مخصوصاً در قرن هفتم بعد از حمله‌ی مغول به اوج خود می‌رسد و اکثر روشنفکران عصر در آن بحث وارد می‌شوند و در ادبیات و هنر تأثیر می‌گذارد (شمیسا، ۱۳۸۹).
۴۰. نظر اکرم (James Ackerman) (۲۰۱۶-۱۹۱۹م): شرح تغییر سبک بر اساس تجلی تحویل فرد هنرمند بوده است نه نیروهای تاریخ که هدایت‌گر رفتار آدمیان و ملت‌هاست. ضرورت تغییر، حاصل بی‌قراری طبیعی انسان و دل زدگی او و نیز لزوم رویارویی با آزمون‌های چالش برانگیز تازه است (ماینر، ۱۳۹۰: ۲۳۲).
- نظر پیرنیا: تکرار موجب خستگی و کسالت مردم می‌شود. در نهایت، همین خستگی و کسالت موجب دست بردن در آن و شروع انحطاط آن سبک است چراکه این دست بردن نه از روی منطق که از سر هوس است. به این ترتیب، سبک فعلی افول کرده و تدریجاً با حذف آن سبکی جدید پدید می‌آید. ولی این سبک جدید مدتها تحت تأثیر سبک قدیمی است تا زمانی که خودش چیز جدیدی ارائه کند. (مصاحبه صدا و سیما «چرایی تحول شیوه‌ها» آرشیو محمدمهدی عبدالله‌زاده).
۴۱. که اینان در درجه اول هنرمندند تا مورخ. مثل وازاری، رافائل و پیرنیا که نقاش و معمار بودند.
۴۲. در سیر تحول تاریخ‌نویسی معماری در دوران معاصر اسامی زیادی از پژوهشگران ایرانی دیده می‌شوند. در این مجال تنها افرادی انتخاب گردید که ردپای سبک و سبک‌شناسی معماری ایران در آثارشان امکان رصد داشت.
43. Sigfried Giedion (1888-1968)
کتاب: فضا، زمان و معماری: رشد یک سنت جدید، ترجمه منوچهر مزیتی، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۳.
44. Thematic analysis. در حوزه ادبیات برای مقایسه دو متن، دو گروه و... بکار می‌رود.
۴۵. حدود ۱۹ پژوهشگر غیرایرانی، آثارشان در این پژوهش رصد شد که می‌توان آنها را در سه گروه زیر دسته‌بندی کرد: ۱- مستقیماً به تاریخ معماری ایران پرداخته‌اند. ۲- موضوع، باستان‌شناسی ایران است و معماری را می‌توان زیرمجموعه پژوهش ایشان مشاهده نمود. ۳- موضوع تاریخ معماری جهان اسلام است و می‌توان معماری ایران دوره اسلامی را در پژوهش ایشان رصد نمود. از بین این سه گروه، مقاله گروه اول را، برای پیشبرد کارش انتخاب نموده است. به غیر از آندره گدار، دونالد ویلبر و آرتور پوپ می‌توان به برنارد اوکین، ماکسیم سیرو، لیزا کلمبگ، ارنست هرتسفلد، رمان گیریشمن، ولادیمیر دیاکونوف، اوژن گالدیری، الگ گرابر، فیلیس آکرم، ریچارد ایتینگه‌ازن، شیلابلر، جاناناتان بلوم، هیلن برند، جان هوگ، هانری مارتن و الکساندر پاپادوپولو اشاره نمود.
46. Andre Godard
47. Donald N. Wilber
48. Arthur Upham Pope
۴۹. مقاله «سبک‌شناسی معماری ایران» سال ۱۳۴۷ برای اولین بار موضوع سبک‌شناسی توسط پیرنیا در «مجله باستان‌شناسی و هنر ایران» شماره ۱ مطرح می‌گردد. این مقاله پس از آن چند بار بدون تغییر در مجلات دیگر به چاپ رسید. (هنر و معماری، شماره ۱۱ و ۱۰، تیر و آذر ۱۳۵۰. دانشمند، شماره ۱۴۲، مرداد ۱۳۵۴ و شماره ۱۴۳، شهریور ۱۳۵۴. گلستان هنر، ویژه نامه به یاد محمدمباقر

آیت الله زاده شیرازی، ۱۳۸۷). هفت سال پس از این، در سال ۵۴ مقاله‌ی دیگری با عنوان «سبک آذری» را در مجله «فرهنگ و معماری ایران» به چاپ رساند. طرح موضوع سبک‌شناسی پیرنیا به این دو مقاله ختم نشد و طرح آن به عنوان بخشی از برنامه‌ی ثابت کلاس‌های پیرنیا ادامه داشت که منجر به چاپ کتاب شیوه‌های معماری ایرانی (یا در چاپ‌های بعدی: سبک‌شناسی معماری ایرانی) با تدوین غلامحسین معماریان شد.

۵۰. پنج اصل معماری در نزد پیرنیا: ۱- مردم‌واری، ۲- درون‌گرایی، ۳- خودبستگی، ۴- پرهیز از بیهودگی، ۵- نیارش و پیمون.

51. Anastilosis

52. Eugene Emmanuel Viollet-le-Duc

۵۳. «پیش از آنکه زمان به نام خود نامیده شود به عنوان ترتیب اتفاق ها و وقایع خود را نشان می‌داد. الگوی چنین تواتری طبعاً حرکتی است دورانی که سرانجام به نقطه آغاز خود برمی‌گردد. این مدار الگویی است هم برای خود حوادث و هم برای روایت‌هایی که درباره آن حوادث است. ادراک زمان خطی و مدور شانه به شانه هم به حیات خود ادامه می‌دهند» (اریکسن، ۱۳۸۵: ۴۶).

منابع

- آریان‌پور کاشانی، عباس و آریان‌پور کاشانی، منوچهر. (۱۳۹۰). فرهنگ فشرده انگلیسی به فارسی یک جلدی. تهران: امیرکبیر.
- اریکسن، تروند برگ. (۱۳۸۵). تاریخ زمان، ترجمه: اردشیر اسفندیاری، آبادان: پرسش.
- ازکیا، مصطفی و دربان آستانه، علیرضا. (۱۳۸۲). روش‌های کاربردی تحقیق. تهران: کیهان.
- استفورد، مایکل. (۱۳۸۴). درآمدی بر تاریخ پژوهی. ترجمه: مسعود صادقی. تهران: دانشگاه امام صادق و سمت.
- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۸۱). معماری و راز جاودانگی راه بی‌زمان ساختن، ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- برندی، سزاره. (۱۳۸۸). تئوری مرمت، ترجمه پیروز حناچی. تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- بهار، محمد تقی. (۱۳۵۵). سبک‌شناسی ۳ جلد. تهران: امیرکبیر.
- پاکباز، روئین. (۱۳۸۹). دایره‌المعارف هنر: نقاشی، پیکره‌سازی، گرافیک. تهران: فرهنگ معاصر.
- پوپ، آرتور ایهام. (۱۳۵۵). هنر ایران در گذشته و آینده. ترجمه عیسی صدیق. تهران: مدرسه عالی خدمات جهانگردی و اطلاعات.
- پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۴۷). سبک‌شناسی معماری ایران. نشریه باستان‌شناسی و هنر ایران، ۱، ۴۳-۵۴.
- پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۵۳). کتاب هنر دبیرستان، بخش معماری. تهران: آموزش پرورش.
- پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۵۳). خواب آلودگان به شیوه‌های معماری ایران نام بیگانه می‌نهند. نشریه هفت هنر، ۲۳، ۴۶-۵۳.
- پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۵۴). سبک آذری. نشریه فرهنگ معماری ایران، ۱، ۵۹-۵۵.
- پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۸۴). سبک‌شناسی معماری ایرانی. تدوین غلامحسین معماریان. تهران: سروش دانش.
- پیرنیاکان، داریوش. (۱۳۸۷). بررسی مکتب‌های تارنوازی. نشریه هنرهای زیبا، ۳۴، ۱۲۵-۱۱۹.
- جباری، صداقت. (۱۳۸۷). تکوین و تطور خط نستعلیق در سده هشتم و نهم هجری قمری. هنرهای زیبا، ۳۳، ۸۴-۷۷.
- جنسن، هورست ولدمار. (۱۳۷۹). تاریخ هنر، ترجمه پرویز مرزبان. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- حاجی مشهدی، عزیزالله. (۱۳۸۰). درآمدی بر سبک‌شناسی هنر هفتم. فصلنامه هنر، ۴۸، ۱۴۶-۱۵۲.
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۸۰). از شار تا شهر. تهران: موسسه انتشارات چاپ دانشگاه تهران.
- حجت، مهدی. (۱۳۸۰). میراث فرهنگی در ایران سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- حیدری دلگرم، مجید. (۱۳۹۵). سبک‌شناسی معماری ایرانی در دوره اسلامی، پایان‌نامه دوره دکتری، استاد راهنما محمدرضا بمانیان. دانشگاه تربیت مدرس.

- حیدری دلگرم، مجید، بمانیان، محمدرضا، انصاری، مجتبی. (۱۳۹۵). محمدکریم پیرنیا و دونالد ویلبر، تفاوت مقاصد و عناصر روایت سبکی. نشریه مطالعات معماری ایران دانشگاه کاشان. ۱۰. ۴۸-۳۱.
- خاتون‌آبادی، افسانه. (۱۳۹۴). مقایسه سبک‌شناختی معماری مساجد ایرانی و شعر فارسی. نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی. سال سوم شماره ۹. ۶۶-۴۹.
- خادم‌زاده، محمد حسن. (۱۳۸۹). شیوه یزد در معماری زمینه‌ها و ویژگی‌ها بازه زمانی ۶۲۰-۷۹۵ هجری. پایان‌نامه دوره دکتری، استاد راهنما سید محسن حبیبی. دانشگاه تهران.
- خاککی، غلامرضا. (۱۳۸۴). روش تحقیق با رویکرد به پایان‌نامه نویسی. تهران، انتشارات بازتاب.
- رحیم‌زاده، محمدرضا. (۱۳۸۴). واژه‌شناسی تاریخ هنر، گلستان هنر، ۱، ۵۵-۵۹.
- رشید یاسمی، غلامرضا (۱۳۱۶). آئین نگارش تاریخ. تهران: موسسه وعظ و خطابه.
- رضی، احمد. (۱۳۸۶). روش در تحقیقات ادبی ایران. نشریه گوهر گویا، ۱، ۱۴۸-۱۳۰.
- ریتزر، جورج. (۱۳۷۴). نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- شریعتی، علی. (۱۳۶۰). اسلام‌شناسی ارشاد مجموعه آثار ۱۶. تهران: انتشارات شریعتی.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۹). یک روایت از دو شکست بحثی در روایت فردوسی و سعدی از شکست لیران از تازیان و مغولان. دفتر ۱۳، ۱۹-۱۱.
- شیرازی، محمد، آقااحمدی، قربانعلی. (۱۳۸۸). دیرینه‌شناسی و تبارشناسی فوکو به عنوان روشی در مقابل روش‌های تاریخی متداول در علوم اجتماعی. پژوهش‌نامه علوم اجتماعی. ۴، ۱۲۶-۱۰۳.
- شیمل، آن‌ماری. (۱۳۸۲). خوشنویسی و فرهنگ اسلامی. ترجمه: اسدا... آزاد، تهران: به‌نشر.
- عبدالله‌زاده، محمد مهدی. (۱۳۸۹). فرار از مدرسه بررسی احوال و آثار محمد کریم پیرنیا از منظر تاریخ‌نگاری معماری ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما مهرداد قیومی بیدهندی. دانشگاه شهید بهشتی دانشکده معماری و شهرسازی.
- غلامرضایی، محمد. (۱۳۷۷). سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو. تهران: نشر جامی.
- غیائی، محمدتقی. (۱۳۷۳). سیر تحول سبک‌شناسی. نشریه پژوهش ادبیات معاصر جهان، ۱، ۶۸-۴۹.
- فرشاد، مهدی. (۱۳۶۲). تاریخ مهندسی در ایران. تهران: گویش.
- فضائی، حبیب‌الله. (۱۳۵۰). اطلس خط. اصفهان: انتشارات انجمن آثار ملی اصفهان.
- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۷۴). باز زنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی. تهران: دانشگاه تهران.
- قبادیان، وحید. (۱۳۹۲). سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران. تهران: موسسه علم معمار.
- قراملکی، احد فرامرز. (۱۳۸۵). روش‌شناسی مطالعات دینی تحریری نو. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- قیومی بیدهندی، مهرداد. (۱۳۸۶). دشواری‌های مطالعات تاریخی معماری ایران و پدیده‌ی سید باقر شیرازی. گلستان هنر، ۸، ۶-۵.
- کلارک، راجر اچ و پاوز، مایکل. (۱۳۸۸). الگوهای معماری تحلیل‌ها و ایده‌های شکل‌دهنده. ترجمه ثمر ترابی کرمانشاه، تهران: انتشارات یزدا
- کن‌بای، شیللا. (۱۳۸۲). نقاشی ایرانی. ترجمه مهدی حسینی. تهران: دانشگاه هنر.
- کیانی، محمد یوسف. (۱۳۷۹). معماری ایران دوره اسلامی. تهران: سمت.
- گدار، آندره. (۱۳۸۴). آثار ایران. ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم. تهران: آستان قدس رضوی.
- گروت، لیدا و وانگ، دیوید. (۱۳۸۶). روش تحقیق در معماری. ترجمه: علیرضاعینی‌فر. تهران: دانشگاه تهران.

- گروتو، یورگ. (۱۳۷۵). زیباشناختی در معماری. ترجمه جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- گلداری، فاطمه. (۱۳۹۳). تبیین مبانی نظری برای دوره‌بندی تاریخ معماری ایران. پایان‌نامه دکتری، راهنما هادی ندیمی و مهرداد قیومی بیدهندی. دانشگاه شهید بهشتی.
- گلیجانی مقدم، نسرين. (۱۳۸۶). تاریخ‌شناسی معماری ایران. تهران: دانشگاه تهران.
- لطفی، محمدرضا. (۱۳۸۹). کتاب سال شیدا مجموعه مقالات موسیقی. جلد دهم و یازدهم. نشر بیدگل موسسه فرهنگی هنری آوای شیدا.
- ماینر، ورنن هاید. (۱۳۹۰). تاریخ تاریخ هنر. سیری در تاریخ تکوین نظریه هنر. ترجمه مسعود قاسمیان. تهران: فرهنگستان هنر.
- محبوب، محمد جعفر. (۱۳۴۵). سبک خراسانی در شعر فارسی. تهران: فردوس.
- مددپور، محمد. (۱۳۸۸). آشنایی با آرای متفکران درباره هنر. تهران: سوره مهر کتاب.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). انسان و ایمان مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی. تهران: بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۴). سیری در مبانی نظری معماری. تهران: سروش دانش.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۹۳). مبانی طراحی معماری، تهران: نغمه نواندیش.
- نصر، سیدحسین. (۱۳۸۱). معرفت و معنویت. تهران: انتشارات سهروردی.
- نوربرگ شولتس، کریستیان. (۱۳۸۱). معماری حضور زیان و مکان. ترجمه علیرضا سیداحمدیان. تهران: موسسه معمار-نشر.
- نیچه، فریدریش. (۱۳۷۷). تبارشناسی اخلاق. ترجمه داریوش آشوری. تهران: آگه.
- هاووزر، آرنولد. (۱۳۸۲). فلسفه تاریخ هنر. ترجمه محمد تقی فرامرزی. تهران: انتشارات نگاه.
- ولک، رنه و وارن، آستن. (۱۳۸۹). نظریه ادبیات. ترجمه ضیا موحد و پرویز مهاجر. تهران: نیلوفر.
- ویلبر، دونالد. (۱۳۴۶). معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانیان. ترجمه: عبدالله فریار. تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- یوکیلهتو، یوکا. (۱۳۸۷). تاریخ حفاظت معماری. ترجمه محمدحسن طالبیان و خشایار بهاری. تهران: روزنه.
- Adeline's Art Dictionary Art Architecture Heraldry and Archaeology. (1905). New York.
- Baumer W., I.Schnorr and Others, (1869). Style in Ornamental Art the Workshop, Vol. 2, No. 5 pp. 65-66.
- Bucher, Ward (1996). Dictionary of Building preservation, Published by John Wiley & Sons, Inc, New York.
- Cowan, Robert (2005). The Dictionary of Urbanism. Published by Streetwise Press.
- Crook, J. Mordaunt (1987). The Dilemma of Style Architectural Ideas from the Picturesque to the Postmodern, University of Chicago Press.
- Crowther, Paul. (2012). The Phenomenology of Modern Art Exploding Deleuze, Illuminating Style. York.
- Davies, Nikolas, Jokiniemi, Erkki. (2008) Dictionary of Architecture and Building Construction, Elsevier Ltd.USA .
- Fielding, Roy Thomas (2000). Architectural Styles and the Design of Network-based Software Architectures, University of California Irvine.
- Fletcher, Banister (1967) A History of Architecture on the Comparative Method, Charles Scribner's Sons Press.
- Gombrich, Ernst H. (1968). Style, In: The art of art history: a critical anthology, edited by D Preziosi.
- Harris, Cyril M. (1975) Dictionary of Architecture & Construction, First edition: America.
- Hawkins M., Dominique (2011). City of New Orleans Hdlc – Building Types and Architectural Styles. Aia, Leed ap of Preservation Design Partnership, Lic in Philadelphia, Pa, and Catherine E. Barrier.
- parker, D.M, deregowski, J.B. (1990). Perception and Artistic Style (Advances in Psychology), North-holland, Elsevier Science Publishers B.V.
- Rab, Samia (1997). The "monument" in architecture and conservation theories of architectural significance and their influence on restoration, preservation and conservation. PhD. Thesis. USA: Georgia Institute of Technology.
- The Concise Oxford Dictionary of Archaeology. (2003).
- Zhu, Hong. (2005). Software Design Methodology: From Principles to Architectural Styles, Butterworth-Heinemann.

Explaining the Concept of Architecture Stylistics by Introducing a New Approach in Iran's Architecture Stylistics (Motivated by architectural conservation)

Hadi Nadimi¹, Reza Abouie², Zeinab Moradi^{3*}

1- Architecture, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

2- Architecture, Yazd University, Yazd, Iran

3- Architecture & Urbanism, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran & Conservation, Isfahan Art University, Isfahan, Iran

Abstract

The topic of architectural stylistics in Iran has always been one of the challenging debates in scientific societies. Although stylistics is important in the field of the art and architecture, there is no clear consensus among scholars on the extent and variety of its definitions and functions. In Iran, although it has been around for half a century since the concept has entered the scientific discourses in field of architecture, but its definitions and function have not yet been formulated. The history of stylistics research indicates that stylistics has various functions as an approach to the study of architectural history one of the most important of which is a classification method in architectural history. Its feasibility and versatility in terms of its ability to cover several approaches to different aspects of architecture in its operational definition and ultimately its flexibility in operating according to the purpose of stylistics, makes it a suitable approach. This paper attempts to explain the concept of architectural stylistics and propose a new approach to architectural conservation and restoration, based on the principles of stylistic studies. For this purpose, first the types and characteristics of research methods in the field of architecture are identified and after identifying the type of research problem, its genealogy has been determined based on the purpose and gender of the problem in order to select the appropriate method and approach. The research method of this article is content analysis with theoretical and operational definitions of stylistics. At the end, the stylistic position of Iranian architecture was explained by analyzing the project of Mohammad Karim Pirnia, and the position of stylistics in the field of architectural conservation and restoration has been explained, which challenges existing perspectives and leads to the details of the proposed definition. The article search system is qualitative and, along with semantic interpretation and analysis of data, seeks to define a suitable and applicable approach to Iranian architectural stylistics. The research strategy is interpretive. This is a theoretical and applied research.

Keywords: Architecture history, Stylistic, Architecture stylistics, Mohammad Karim Pirnia, Conservation and restoration in architecture

*Email: z.moradi@hsu.ac.ir

CONTENTS

Explaining the Concept of Architecture Stylistics by Introducing a New Approach in Iran's Architecture Stylistics (Motivated by architectural conservation)	30
Hadi Nadimi, Reza Abouie, Zeinab Moradi	
Physical - Spatial typology of Safavid Religious tombs in Isfahan	52
Azita Belali Oskuyi, Yahya Jamali	
Wind flow patterns in ancient wind catchers of Yazd based on a long term measurement (case study: Mortaz house)	70
Zhaleh Hedayat, S.Zeinab Emadian Razavi, S.Mohammad hosein Ayatollahi	
Design of temporary accommodation model after the Qom potential earthquake	93
Zohair Motaki, Akbar Haj Ebrahim Zargar, AbdolMajid Khorshidian, Sayyed Masood Mirghasemi	
Maidan: Understanding its Conceptual domain and the range of it's instances in Qajar period, Based on Historical Maps	118
Mahnab Najafi, Reza Shakouri	
Studying the effect of khavunchini on heat transfer from South facade in summer, in very hot and semi-arid climate of Khuzestan	139
Ali Dahar, Mansoureh Tahbaz, Mohsen Taban	
Investigation of the Historical-physical classification of Haft-shoyeh Jame Mosque based on Comparative Studies	174
Mehdi Razani, Yadolahe Haydari Babakamal	
Evaluation of the Biophilic Approach to Energy Conservation in Residential buildings of Kerman	197
Sara Mohammadi, Behzad Vasigh	
Documentation of urban open spaces based on the principles of the Sofia Charter Case Study: Pamenar neighborhood open spaces in Kerman	225
Sakineh Tajaddini, Mohsen Keshavarz, Mahboubeh Eslamizadeh, Mahdieh Ziaadini Dashtkhaki	
Learning from the past; applying space syntax theory in Atrvash and Mohtasham houses in continuity of sense of place in contemporary houses	250
Amin Habibi, Elham Fallahi, Sina Karmirad	
Optimization of the building orientation to receive solar radiation in hot-aridclimate (Case Studies: Isfahan, Semnan, Kerman and Yazd cities)	267
Hassan Akbari, Fatemeh Sadat Hosseini Nezhad	
Indoor Environmental Quality in Qajar Houses of Shiraz with an emphasis on Thermal Comfort and Daylighting (case study: Nemati House)	291
Aida Zare Mohazzabieh, Shahin Heydari, Azadeh Shahcheraghi	

INSTRUCTIONS TO CONTRIBUTORS



- Scientific-research articles published after peer review and approval of the editorial board. Other papers such as translation, compilation, book reviews and... will not be accepted.
- The paper can not be previously published in other journals or other publications or conferences ever to be sent for review and printing.
- The paper should preferably Persian. Although this publication is to be confirmed in writing to publish the English language.
- The paper should have an appropriate level of scientific and research methods and rules are formulated in writing to abide by and be smooth.
- The editorial board may accept or reject the article is accepted.
- In the first page, the author (s) full name, title and affiliation, subsidiary of the organization, address, email and phone number of author/authors should be given. Also, if the paper is based on a grant or a student thesis, it should be noted accordingly on the first page.
- The paper should include an abstract, introduction (including the problem statement, the importance and necessity, goal, history, questions or hypotheses, research methods, introduced variables and domain research), concepts and on theoretical grounds, the application of methods and techniques and analysis and conclusions (in line with the goals and hypotheses or questions and results of applying the techniques and methods), and references.
- Abstracts should be written in Persian and English and its review of the problem statement, goals, methodology, findings and conclusions and key words (4 to 6 words). This alone should be expressed in all the paper, especially the results. Persian abstract is about 350 words. Persian and English abstracts must be provided in a separate page and be numbered from No. 1 to the end.
- Papers typed on Bzar font. The main title font is 14 Black, the sub title font is 12 Black, text font is 14 and abstracts font will be typed size 12.
- The right margin of 3 cm, left margin of 2/5, up 3/5 and bottom 2/5 cm and distance between the lines to be single.
- Bibliographic information about papers, books, reports and other references will be made this way:
 - Book: Author(s). (year). book title, translator, publisher and location, publishing time.
 - Paper: Author(s). (year). full paper title, Journal's name, volume, number.
 - Thesis: Author. (year). full thesis title, supervisor name, university name.
- The sole responsibility for views and statements expressed in the paper remains with the author/authors.
- If a paper has several authors, one must be represented as the author corresponding.